

نشر نجات الله وسیله ای برای

احیای عالم انسانی

برنامه ای برای کلاسهای نشر نجات الله

بیت العدل اعظم:

" راهی که جمال مبارک برای بلوغ و اتساع قابلیت جامعه بهائی پیروان دیرینش در مهد امرالله برگزیده، هر چند ممزوج به انواع محن و بلایا است، ولی سرمنزل مقصودش، بروز جامعه ای است که قادر به انجام رسالت عظیم خود خواهد بود و جوانان عزیز بهائی مهد امرالله، نقش مهم و اساسی در انجام این رسالت، ایفا نموده و می نمایند."

" ۳۱ می ۲۰۰۶ "

بیت العدل اعظم:

" هدف از اعلان امرالله آنست که مردم از حقیقت ظهور جدید آگاهی یابند."

" کتاب ششم روحی، صفحه ۱۰۵ "

" نهضت بهائی، نیازمند جوانانی است که بیداری روحانی یافته تا با قیام خود جلوی طغیان موج تمدن مادی، که نوع بشر را به ورطه دمار و ویرانی کشانده سد نماید."

" حضرت ولی امرالله "

بیت العدل اعظم:

" نشر نفعات الله من دون توقف و با شدتی بیشتر از سابق، ضامن تداوم و حفظ و صیانت جامعه اسم اعظم در آن سرزمین است."

" ۱۷ اکتبر ۲۰۰۵ "

فهرست مطالب

صفحه

مقدمه	ه
۱- تأکید بر تشکیل محافل تبلیغ	۱
۲- تبلیغ امری واجب ، اجباری ، عمومی و مقدس است.....	۱۲
۳- تبلیغ انفرادی (اهمیت و میزان)	۱۷
۴- اغتنام فرصتها (وقت تنگ است)	۲۵
۵- نشر نفحات الله در حین تضيیقات	۳۲
۶- راه و روش تبلیغ	۴۰
۷- روش تبلیغی حضرت عبدالبهاء	۵۰
۸- ذکر یکی از مشکلات ما در تبلیغ و طریق رفع آن.....	۶۷
۹- تأییدات الهیه	۷۲
۱۰- صفات و سجایای مبلغین (تبلیغ به عمل)	۸۰
۱۱- اثرات و نتایج تبلیغ	۹۱
۱۲- مقام ناشرین نفحات الله	۱۰۰
۱۳- رعایت حکمت (معنی و مفهوم).....	۱۰۵
۱۴- ارجحیت ها و اولویت ها	۱۱۵

۱۵- احساس ضعف و عدم لیاقت و قابلیت	۱۱۸
۱۶- استفاده از تجربیات و مهارتها و ابتکارات شخصی.....	۱۲۴
۱۷- ابلاغ به عامه مردم	۱۲۸
۱۸- میزان استعداد و آمادگی مردم ایران	۱۳۲
۱۹- رفع استیحاخ	۱۳۷
۲۰- نقش جوانان	۱۴۱
۲۱- صحبت با مادّیون (بی دینها)	۱۴۹
۲۲- در حین خدمت امتحان می شویم	۱۵۳
۲۳- نقش شجاعت و فداکاری و توکل در تبلیغ	۱۵۷
۲۴- امتیازات اهل بهاء در چیست؟	۱۶۴
۲۵- حکایتی از دکتر سیروس اعلائی	۱۷۱
۲۶- قسمتی از بیانیه بیت العدل اعظم درباره اطاعت از حکومت و تبلیغ امرالله	۱۷۵
۲۷- مناجات ها	۱۷۹

مقدمه

همانطور که یاران عزیز مستحضرند، زمانی که معهد اعلی در پیام ۷ اکتبر ۲۰۰۵، جهت ابراز حسن نیت، به مسئولین کشور مقدس ایران، حکم بر تعطیل مؤسسه آموزشی در مهد امرالله نمودند، مسئولیت تبلیغ امرالله همانند صدر امر، صرفاً به عهده فرد فرد احباء و یاران باوفا قرار گرفت.

چنانچه در قسمتی از این پیام می خوانیم " معنی و مفهوم این تصمیم این است که افراد احباء باید در انجام امر مهم تبلیغ، که از جمله وظائف روحانی و تخطی ناپذیر هر فرد بهائی است بیش از پیش کوشا باشند، هیچ فرصتی را از دست ندهند و با رعایت حکمت و از طریق ابتکار شخصی، تا حد امکان با استفاده از بینش های روحانی و تعلیماتی که در فرآیند مؤسسه آموزشی آموخته اند، به این وظیفه خطیر قیام کنند و در این راه، همدیگر را نیز تشویق و حمایت نمایند. "

لذا این مجموعه که جهت آگاهی بیشتر جوانان عزیز بهائی، از مسائل مورد بحث در تبلیغ، بالاخص روش تبلیغی حضرت

عبدالبهاء تهیه و تدوین گردیده است، صرفاً کوششی است به جهت دسترسی آسان تر به متون مذکور که در این مجموعه گردآوری شده است. زیرا با توجه به قسمتی از پیام بیت العدل اعظم که ذیلاً زیب این مقدمه می شود، چنین به نظر می رسد که مطالعه این مجموعه در جمع های کوچک و توجه خاص به آزمون های مندرج در پایان هر بخش که با تمسک به حبل " مشورت، عمل و تفکر " همراه خواهد بود، می تواند در موقعیت کنونی امر در ایران مفید فایده قرار گیرد، بالاخص برای آن دسته از یارانی که به هر دلیل از گذراندن دوره های آموزشی مؤسسه روحی محروم بوده اند و یا فرصتشان اقتضای گذراندن دفاتر هفتگانه روحی را نداشته است.

باشد که با چنین نیتی، هر یک از ما بتوانیم سهم خود را در احیای ایران عزیز که روزی زیارتگاه اهل عالم خواهد شد، آدا نمائیم و بر اندکی از وظیفه و مسئولیت عظیم خویش در قبال هموطنان گرامی، جامه عمل بپوشانیم. پیوسته امیدوار به یاری جمال اقدس ابهی بوده و هستیم.

تیر ماه ۸۶

و اما بیت العدل اعظم در قسمتی از پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۰۵
می فرمایند:

"... تشکیلات امریه، همچنان به آمال نفوسی که به هر علت،
تمایلی به شرکت در مطالعه کتاب های مؤسسه روحی ندارند،
توجه خواهند داشت، نفوسی که زیاد مشتاق نیستند، باید دریابند
که بسیاری از راه های خدمت به روی آنها گشوده است، از
جمله، مهم تر از همه، تبلیغ فردی است که وظیفه عظیم و
فوق العاده مهم هر فرد بهائی است. کلاس های محلی تزئید
معارف که همچنان ویژگی مهم حیات جامعه بهائی باقی
می مانند، فرصت های وفیری را برای آنها جهت عمق بخشیدن
به معرفت خود نسبت به تعالیم مبارکه فراهم می آورند."

این کوشش اندک را تقدیم استاد بزرگوار و
شهید سعید جناب دکتر مسیح فرهنگی که
هادی و راهنمای جوانان عصر خویش در نشر
نفحات الله بودند، می نمایم.

ع - س

" جمیع تدریس و تعلیم باید درس تبلیغ باشد تا
تلامذه در تبلیغ، مهارت پیدا کنند. "

" حضرت عبدالبهاء "

۱- تأکید بر تشکیل محافل تبلیغ

" گروههای فزاینده ای از مؤمنین باید از یک
برنامه رسمی آموزشی بهره مند گردند... "

" پیام رضوان ۲۰۰۷ "

(اشاره به نقشه چهارساله)

۱ - ۱ حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح می فرمایند:

" محافل بسیار مقبول، ولی باید جمیع مجالس، محافل تبلیغ باشد. این تائید دارد، این سبب اعلاء کلمة الله است و این سبب عزت امرالله ... " (۱)

تاریخ امر را تشریح نمایند و آنچه ادله ظهور موعود در کتب و صحف الهیه از قبل موجود، آنها را تفسیر کنند تا نوریان در جمیع این مراتب، ملکه تامه حاصل نمایند " . (۳)

۴ - ۱ همچنین:

" هر نفسی که قدم در میدان تبلیغ نهد باید ... اهمیت حیاتی پیام یزدانی را بر متحری حقیقت مکشوف و با اقامه دلیل و برهان او را مطمئن و متیقن سازد. " (۴)

۵ - ۱ حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب صدرالصدور مؤسس کلاس تبلیغ می فرمایند:

" فی الحقیقه کار، این است که شما می نمائید. به تدریس تبلیغ مشغولی و بیان براهین الهی می فرمایید و زبان به حجّت بالغه ربّانیه می گشایی. جامی لبریز از صهبای عرفان در دست داری و نو رسیدگان جنت ابهی را سرمست می فرمایی، ولی باید آن محفل مقدس همیشه آراسته باشد و هر سالی نفوسی چند از نهال های باغ الهی به فیض اسرار تبلیغ نشو و نما نمایند. " (۵)

۲ - ۱ همچنین خطاب به ایادی امر ابن ابهر میفرمایند:

" ... محافل تبلیغ تشکیل نمایند و نفوس را تعلیم دلائل و براهین کنند تا جوانانی نو رسیده تربیت گردند و مؤید شوند و به نشر دین الله قیام کنند و نفوس را به شریعه الهیه کشند. این تأسیس است و بنیان متین از زبر حدید. حال معلوم می شود که یاران در این امر جلیل، اهتمام ندارند، البته کل را به کمال همت بر این مغناطیس موهبت دلالت نمائید. هیچ امری مانند تبلیغ مؤید نه و هیچ نفسی جز نفس مبلّغ موفق نخواهد شد ... " (۲)

۳ - ۱ و نیز در لوحی دیگر:

" از جمله تشکیل محفل تبلیغ است که نفوس مبارکه قدمای احباب، نورسیدگان محبت الله را در مدارس تبلیغ جمع نمایند و جمیع براهین و ادله و حجج بالغه الهیه را تعلیم دهند و

۶ - ۱ و پس از صعود صدرالصدور خطاب به جناب نعیم فرمودند:

" ... از مصیبت حضرت صدرالصدور بعد از مصیبت کبری بسیار متأثر شدم و این درد را درمانی و این زخم را مرحمی جز آن نه که ملاحظه شود که جای آن بزرگوار شخصی استوار یافته و به نفحه مشکبار مشامها را معطر می نماید و این را بدان که هر نفسی پی آن روح مجرد گیرد، به تعلیم و تدریس پردازد، تأییدات متتابعاً متوالیاً در رسد، حتی خود او حیران ماند". (۶)

۷ - ۱ پیشنهاد می شود به بیان ذیل که از یکی از الواح حضرت عبدالبهاء استخراج شده است، توجه فرمائید. در این لوح حضرت عبدالبهاء از خدمات یکی از بهائیان سرشناس در تعلیم مبلغین امر تقدیر می فرمایند و به این خدمات تحت عنوان تشکیل جلسه درس تبلیغ اشاره نموده اند:

" حضرت صدرالصدور أَلْفَائِزُ بِالْمَقَامِ الْأَعْلَى فِي عَالَمِ السُّرُورِ رُوحُ الْمُقَرَّبِينَ لَهُ الْفِدَاءِ تَأْسِيسِ مَحْفَلِ تَعْلِيمِ نَمُودُنْد. و ایشان اول شخص مبارکی هستند که اساس این امر عظیم

نهادند. الحمدلله در ایام خویش نفوسی را تربیت نمودند که ایوم در نهایت فصاحت و بلاغت مقتدر بر اقامه ادله و براهین الهی هستند و فی الحقیقه این تلامذه، سلاله طاهره روحانیه آن مقرب درگاه کبریا هستند. و بعد از صعود ایشان بعضی از نفوس مبارکه اقدام در ابقاء تعلیم و تعلم فرمودند و این مسجون از این خبر بی نهایت مسرور شد. " (۷)

۸ - ۱ همچنین:

" ای اماء الرحمن نامه شما رسید و دل و جان شادمان شد که جناب منیر تأسیس محفل تبلیغ نمود. از این خبر نهایت شادمانی رخ داد و امید چنانست که این محفل باقی و برقرار باشد و جمیع نساء یاران بهره و نصیب از ملکوت اسرار برند و مقتدر بر تبلیغ دیگران شوند، تأییدات جمال مبارک شامل شود و نصرت ملکوت ابهی جلوه نماید. عالم نساء در دوره سابق بسیار تاریک بود در این دوره بالعکس روشن گردد و گوی سبقت را از میدان برابند، نطق فصیح بگشایند و بیان بلیغ جویند و در نهایت شجاعت، صف جنگ بیاریند و به قوت برهان و سطوة عرفان، ممالک قلوب را مسخر نمایند.

عکا بهجی عبدالبهاء عباس " (۸)

۱۱ - ۱ حضرت ولی عزیز امرالله:

" باید جوانان را علم تبلیغ پیاموزند و بر معلومات امریه و علمیّه و ادبیّه آنان بیفزایند . به اسلوب و لحنِ خطابه های حضرت عبدالبهاء در بلاد غرب آشنا نمایند و به شرایط مبلغین که در کتب و صحف مثبت است، متذکر سازند. " (۱۱)

۱۲ - ۱ همچنین:

" ... باید به هر وسیله ای که ممکن و میسر باشد، جوانانِ هوشیارِ پاک طینت را ترغیب و تشویق نمود تا نو رسیدگان از بنین و بنات، مبادی و اصول تبلیغ را بیاموزند و به لزومیت و فواید و منافع کلیّه آن اقناع و آشنا گردند. " (۱۲)

۱۳ - ۱ بیت العدل اعظم:

" گروههای فزاینده ای از مؤمنین باید از یک برنامه رسمی آموزشی بهره مند گردند، برنامه ای که بتواند آنان را با دانش و بینش روحانی و نیز با مهارت ها و توانایی های لازم جهت انجام خدماتی که برای ادامه ترویج و تحکیم در سطحی وسیع لازم است، مجهز سازد. " (۱۳)

۹ - ۱ حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به جناب میرزا محمد باقرخان شیرازی می فرمایند:

" مبلغین بسیار کمند، چاره نیست شما بکوشید که در آنجا یک محفلِ درسِ تبلیغ تشکیل کنند تا جوانانِ نو رسیده تربیت شوند، ولو در شبها باشد به تحصیلِ لوازمِ تبلیغ پردازند و همچنین آحباء جمیعاً، چون در جائی دو نفر جمع شوند مذاکراتشان به کمالِ شوق حصر در بیانِ برهان باشد. " (۹)

۱۰ - ۱ و نیز خطاب به فرد مذکور می فرمایند:

" بالفعل مبلغین بسیار کمند و از هر طرف فریاد بلند: اینُ المبلّغُ اینُ المبلّغُ . چاره نیست جز اینکه در هر شهری محفلی به جهتِ درسِ تبلیغ تأسیس نمود تا نونهالانِ جنتِ ابهی که در نهایتِ شوق و ذوق و شور و ولّه‌ند، تحصیلِ فنِ تبلیغ نمایند. اگر چنانچه باید و شاید معمول گردد، در اندک زمانی در هر شهری مبلغینِ کامل و ناطقینِ ثابت ظهور یابد. " (۱۰)

آزمون ۱

۱- توصیه های حضرت عبدالبهاء در لوح ابن ابهر راجع به تشکیل محافل تبلیغ چیست؟

۲- " محافل بسیار مقبول، ولی باید مجالس، باشد. این دارد. این سبب است و این سبب امرالله. "

۳- در محفل تبلیغ چه اموری باید انجام شود؟

۴- به فرموده حضرت عبدالبهاء چگونه باید ممالک قلوب را تسخیر نمود؟

۵- الف - به فرموده بیت العدل اعظم یک برنامه رسمی آموزشی تبلیغی چگونه باید باشد؟

ب - به نظر شما این برنامه رسمی آموزشی، کدام برنامه جامعه بهائی است؟

ج - تشکیلات برای نفوسی که تمایلی به شرکت در مطالعه کتابهای مؤسسه روحی ندارند، چه برنامه ای دارد؟

د - به نظر شما بهترین راه برای اجرای نوپای حضرت عبدالبهاء، راجع به تشکیل محافل تبلیغ در زمان حاضر چه می تواند باشد؟

۱۴ - ۱ و نیز:

" تشکیلات امریه همچنان به آمال نفوسی که، به هر علت، تمایلی به شرکت در مطالعه کتاب های مؤسسه روحی ندارند، توجه خواهند داشت. نفوسی که زیاد مشتاق نیستند باید دریابند که بسیاری از راه های خدمت به روی آنها گشوده است، از جمله، مهم تر از همه، تبلیغ فردی است که وظیفه عظیم و فوق العاده مهم هر فرد بهائی است. کلاس های محلی تزیید معارف و ... که همچنان ویژگی مهم حیات جامعه بهائی باقی می ماند، فرصت های وفیری را برای آنها جهت عمق بخشیدن به معرفت خود نسبت به تعالیم مبارکه فراهم می آورند." (۱۴)

مراجع:

- ۱ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۴۵
- ۲ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۲۳
- ۳ - مکاتیب عبدالبهاء، جلد سوم، ص ۳۲
- ۴ - مؤسسه روحی کتاب ششم، صفحه ۱۵۹
- ۵ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۲۷
- ۶ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۳۰
- ۷ - مؤسسه روحی، کتاب هفتم، ص ۴۲ - ۴۳
- ۸ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۴۶
- ۹ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۳۲
- ۱۰ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۳۲ - ۱۳۳
- ۱۱ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۳۴
- ۱۲ - کتاب جوانان، ص ۱۶۶
- ۱۳ - پیام رضوان ۲۰۰۷ (اشاره به نقشه چهارساله)
- ۱۴ - پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۰۵

۲- تبلیغ امری واجب، اجباری، عمومی و مقدس است.

۱- ۲ حضرت بهاء الله می فرمایند:

" ... امر تبلیغ بر کل واجب شده که شاید جمیع دوستانِ رحمان به رتبه بلندِ اعلی و مقامِ اعزّی آسنی که می فرماید مَنْ أَحْيَا نَفْسًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا فائز شوند. " (۱)

۲- ۲ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ... تبلیغ و تنشیر، مخصوصِ طبقه معینی از نفوس مانند طبقه روحانیون در ادوارِ قبل نبوده، بلکه عمومِ یارانِ ثابتِ باوفای امرِ حضرتِ یزدانِ عهده دار این امرِ عظیم هستند و تحدیدِ تبلیغ برای نفوسِ معدود، مخالف و مبین با نصوص و تعالیم الهیه است. پس در این دور مبارک تبلیغ امرالله وظیفه ای است اجباری و عمومی " (۲)

۳ - ۲ و بیت العدل اعظم:

"تبلیغ امرالله و نشر نَفَحَاتُ الله از فرائضِ روحانی هر فرد مؤمن محسوب و بنابراین وظیفه ای است مقدس و تخطی ناپذیر و نمی توان تحت هیچ شرایطی از آن صرف نظر کرد..." (۳)

۴ - ۲ قسمتی از سخنرانی دکتر فرزام ارباب در ۲۸ آوریل ۲۰۰۱:

"شما در کمال امتنان و احترام به عنوان یک اقدام مقدس به تبلیغ اقدام می کنید، " مقدس " اشاره به آن چیزی دارد که متعلق به خداوند است.

در هنگام تبلیغ ما با دو امر مقدس مواجه هستیم. یکی قلب انسان است که اساساً متعلق به خداست. تبلیغ را در واقع می توان به عنوان عملی روحانی توصیف کرد که به فتح مدینه قلب انسانی به روی خداوند منجر می شود. مورد دوم که به تبلیغ مربوط می شود عبارت از ظهور حضرت بهاء الله است. ما تبلیغ می کنیم تا قلب را با ظهور آن حضرت، که اعظم موهبت ایشان به نوع بشر است، مرتبط سازیم. شما مطمئناً با این کلام

حضرت بهاء الله آشنا هستید که می فرمایند:

آنچه از برای خود خواسته مدائنِ قلوبِ عباد بوده آحبای حق الیوم به منزله مفاتیحند. انشاء الله باید کلّ به قوّتِ اسمِ اعظم، آن ابواب را بگشایند. " (۴)

۵ - ۲ و نیز:

"این واقعیت که شما به تبلیغ به عنوان یک اقدام روحانی مبادرت می نمائید با یک بُعد تقدیسِ دیگر ارتباط می یابد. در تبلیغ، عاملی که موجب تحوّل می گردد کلام الهی است. حضرت بهاء الله از استعاره " اکسیر " استفاده می کنند تا ما بتوانیم به قوّة کلمة الله پی ببریم. قرنهای بشر را اعتقاد بر این بود که اکسیر دارای قوّة تبدیل مس به طلا است. " (۵)

آزمون ۲

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی که با (*) مشخص شده توضیح دهید.

- | صحیح | غلط | |
|--------------------------|--------------------------|--|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | الف- تبلیغ امری است اختیاری نه اجباری. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ب- تبلیغ مربوط به طبقه خاصی نمی باشد. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | * ج - تبلیغ امری مقدّس است. |

* د- عاملی که در تبلیغ موجب تحول می گردد، مهارت مبلّغ است.

۲- به نظر شما قوه کلمه الله با اکسیر چه شباهتی دارد؟

مراجع:

- ۱- رساله راهنمای تبلیغ، ص ۵
- ۲- رساله راهنمای تبلیغ، ص ۶۱
- ۳- پیام ۷ اکتبر ۲۰۰۷
- ۴- برنامه فشرده رشد، ص ۷-۸
- ۵- برنامه فشرده رشد، ص ۸

۱ - ۳ حضرت بهاء الله می فرمایند:

" قَدْ قُدِّرَ لِكُلِّ نَفْسٍ تَبْلِيغٌ هَذَا الْأَمْرِ ... " (۱)

۳ - تبلیغ انفرادی (اهمیت و میزان)

۲ - ۳ و نیز در یکی از الواح مبارکه آمده است که :

" اليوم بر كلِّ احبّاي الهی لازمست که آنی در تبلیغ امر،
تکاهل ننمایند و در کلّ حین به مواعظِ حَسَنَه و کلماتِ لَیَنَه
ناس را به شریعتِ عَزِّ اَحَدِيَه دعوت نمایند... " (۲)

" در اقدامات مؤمنین اولیه که در شرایطی بس
نامعلوم و تنها با اتکاء به نیروی ایمان خود پیش
رفتند و به تبلیغ امرالله ادامه دادند تفکر کنید. "

۳ - ۳ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" هر نفسی که ثابت بر عهد است ولو به ظاهر خواندن
اَبْجَد نداند باید در فکرِ اعلاءِ کلمه الله و تبلیغ باشد. " (۳)

" بیت العدل اعظم، ۷ اکتبر ۲۰۰۵ "

۴ - ۳ ایضاً می فرمایند:

" ... تکلیفِ هر نفسی از احبّای الهی این است که شب و
روز آرام نگیرد جز به فکرِ نشرِ نفعاتِ الله. یعنی به قدرِ امکان
بکوشد که نفسی را به شریعه بقا هدایت نماید و احیا کند. زیرا
این اثر از او در اعصار و قرون متسلسل گردد، چه که هادی

اول تتابع و تَرادف و تَسلسل در مؤمنینِ دیگر کند، عاقبت یک نفسِ مقدس سببِ احیاءِ صد هزار نفوس شود. ملاحظه فرمائید که چقدر اهمیت دارد که هدایتِ یک نفس، اعظم از سلطنت است، زیرا سلطنتِ ظاهر در ایامی چند منتهی شود نه اثری و نه ثمری و نه سروری و نه فرحی و نه بشارتی و نه اشارتی نه نامی و نه نشانی باقی ماند، اما این سلطنت که هدایتِ نفوس است دست در آغوشِ دلبرِ ابدی نماید و انسان بر بالینِ سرمدی بیاساید ... " (۴)

۳ - ۵ و نیز :

" ... هر فکری و ذکری و عبادتی و خدمتی را بگذاریم و به تبلیغ و عبودیتِ آستانِ مقدس پردازیم مگر عبادتهای مفروضه... " (۵)

۳ - ۶ همچنین :

" شب و روز آرام نگیرند و آلام نینند و فراغت نجویند ... اوقات را صرفِ نشرِ نجاتِ الله کنند و و آزمون را وقفِ اعلاءِ کلمة الله ... " (۶)

۷ - ۳ حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:
" امروز نیاز بشریت به شنیدن پیام الهی آن چنان شدید است که آحباء باید کاملاً در این وظیفه غرق شوند... " (۷)

۸ - ۳ همچنین در یکی از توابع خطاب به اهل بهاء می فرمایند:

" بگذارید این مهمترین و ضروری ترین وظیفه هر شخص بهائی باشد. بگذارید این را غالبترین شور و شوقِ زندگی خود قرار دهیم. " (۸)

۹ - ۳ بیت العدل اعظم الهی :

" نقطه تمرکزِ اذهان و افکارِ کلیه آحباء باید تبلیغ باشد ... با دیدگانِ منتظر، چشم به راه روزی هستیم که میل و اشتیاقِ غالب در زندگی هر یک از یاران تبلیغ باشد... " (۹)

۱۰ - ۳ و نیز :

۱ - ۱۰ - ۳ : " از حکم حضرت بهاء الله که فرد مؤمن را موظف می سازد که به تبلیغ امر مبارکش پردازد، مفری نیست

و نمی توان آن را به یکی از مؤسّسات امری محوّل نمود و هیچ یک از آن مؤسّسات نیز نمی تواند این وظیفه را بر عهده گیرد. تنها فرد بهائی است که می تواند استعدادهایی را که مشتمل بر توانائی استفاده از ابتکارات شخصی، اغتنام فرصتها، ایجاد روابط دوستانه با دیگران، معاشرت و مصاحبت با سایرین، برقرار ساختن ارتباط با مردمان، جلب همکاری سایرین در خدمات مشترک امری و اجتماعی ... به کار گیرد."

۲ - ۱۰ - ۳: "فرد بهائی برای حداکثر استفاده از قابلیت به عشقی که به حضرت بهاء الله دارد، و به قوه عهد و میثاق، و به نیروی محرکه دعا و مناجات، و به الهامات و تعلیماتی که از مطالعه نصوص مبارکه حاصل می گردد ... متکی و متوسّل می گردد."

۳ - ۱۰ - ۳: "در مرکز و مدار هر پیشرفتی، فرد قرار گرفته است که قدرت اجرائی را در دست دارد و تنها فرد است که می تواند از طریق اقدام و ابتکار شخصی، آن را به جریان اندازد." (۱۰)

۱۱ - ۳ ایضاً:

"افراد احباء باید در انجام امر مهم تبلیغ که از جمله وظایف روحانی و تخطی ناپذیر هر فرد بهایی است بیش از پیش کوشا باشند، هیچ فرصتی را از دست ندهند و با رعایت حکمت و از طریق ابتکار شخصی، تا حد امکان با استفاده از بینش های روحانی و تعلیماتی که در فرایند مؤسسه آموزشی آموخته اند، به این وظیفه خطیر قیام کنند و در این راه همدیگر را نیز تشویق^(۱) و حمایت نمایند." (۱۱)

(۱) جناب دکتر فرزام ارباب در نطق ۲۸ آوریل ۲۰۰۱ می گوید:

"وقتی کارآموزی و تشویق، مؤثر واقع می شود جوی برای توسعه به وجود می آید که احباء در آن به وظیفه تبلیغی خویش چون نتیجه ای از ایمان به حضرت بهاء الله می نگرند."

آزمون ۳

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی که با (*) مشخص شده توضیح دهید.

صحیح غلط

الف- کسی که سواد ندارد نمی تواند تبلیغ کند.

ب- کافی است که دقایقی از ایام خویش را صرف تبلیغ
نمائیم.

ج- اثر هدایت یک نفس در تمام اعصار متسلسل گردد.

د- همه عبارت مرجع به تبلیغ هستند.

ه- احباء باید در امر تبلیغ یکدیگر را تشویق نمایند.

۲- " نقطه اذهان و افکار احبا باید باشد. با دیدگان منتظر چشم به راه روزی هستیم که در زندگی هر یک از یاران..... باشد. "

۳- کدام امور را فرد بهائی می تواند انجام دهد، اما مؤسسات قادر به انجام آن نیستند؟

۴- توضیح دهید که چگونه می توان آنی در تبلیغ تکاهل نمود و شب و روز به فکر و در کار نشر نفحات بود؟

۵- چگونه می توانیم یکدیگر را در امر تبلیغ تشویق نمائیم؟

مراجع:

- ۱- مؤسسه روحی کتاب ششم، صفحه ۱۸
- ۲- کتاب جوانان، ص ۱۵۷
- ۳- مائده آسمانی جلد ۵، ص ۷۹
- ۴- امر و خلق، جلد ۳، ص ۴۸۵
- ۵- رساله راهنمای تبلیغ، ص ۳۸
- ۶- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۰۴
- ۷- مؤسسه روحی کتاب ششم، ص ۹۰
- ۸- مؤسسه روحی کتاب ششم، ص ۶۱
- ۹- پیام رضوان ۲۰۰۷
- ۱۰- پیام ۱۵۳ بدیع
- ۱۱- پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶

۴- اغتنام فرصت ها (وقت تنگ است)

۱ - ۴ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ... آنی سکون نیاید و دقیقه ای قرار مجوید و دمی نیاساید. مانند دریا پرجوش گردید و به مثابه نهنگ بحر بقا به خروش آید. صمت و سکون و قرار و سکوت، شأن اموات است نه اَحیاء و از خصائص جماد است نه طیور گلشن ملاءِ اعلیٰ. عنقریب این بساط حیات، مُنطوی شود و این لذائد و نِعماء منتهی گردد. از برای نفوس، یأس حاصل شود و هر مقصد و آرزویی باطل گردد. پس تا جان در جسد است باید حرکتی نمود و همتی کرد و بنیانی بنیاد نهاد که قرون و اعصار، فتور به ارکان نرساند .. " (۱)

۲ - ۴ حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"... زنهار زنهار امر تبلیغ دقیقه ای معوق و معطل ماند، زیرا امر تبلیغ، مقصد اصلی اقدامات امریه یاران است و مایه سعادت ابدیه آنان ". (۲)

۳ - ۴ قسمت هائی از الواح وصایای حضرت عبدالبهاء :

" ... ای ثابتان بر پیمان، این طیر بال و پر شکسته و مظلوم، چون آهنگ ملاء اعلیٰ نماید و به جهان پنهان شتابد و جسدش تحت اطباق قرار یابد یا مفقود گردد، باید ... جمیع یاران و دوستان، بالاتفاق به نشر نفحات الله و تبلیغ امرالله و ترویج دین الله به دل و جان قیام نمایند. دقیقه ای آرام نگیرند و آنی استراحت نکنند این عبد مظلوم، شب و روز به ترویج و تشویق، مشغول گردید ، دقیقه ای آرام نیافت تا آنکه صیت امرالله آفاق را احاطه نمود و آوازه ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد. یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند. اینست شرط وفا و اینست مقتضای عبودیت آستان بهاء. حواریون حضرت روح به کلی خود را و جمیع شئون را فراموش نمودند و ترک سر و سامان کردند و مقدس و منزّه از هوی و هوس گشتند و از هر تعلقی بیزار شدند و در ممالک و دیار منتشر شدند و به هدایت من علی الارض پرداختند، تا جهان را جهان دیگر کردند و عالم خاک را تابناک نمودند و به پایان زندگانی در ره آن دلبر رحمانی جانفشانی کردند و هر یک در دیاری شهید شدند ... "

(۳)

۴ - ۴ بیت العدل اعظم:

"انجام رسالت تاریخی که بر عهده شما گذاشته می شود، در این لحظه حساس تاریخی نمی تواند به تأخیر افتد، کمر همت بر بندید و همتی بنمایید. بشتابید و تأخیر و تمهل روا ندارید و فرصت گرانها را از دست ندهید. قیام نمایید و تعداد فزاینده ای از خویشاوندان، همسایگان، دوستان و همکاران معتمد خویش را به این دوره ها دعوت کنید." (۴)

۴ - ۵ همچنین:

"هیچ فرصتی را از دست ندهند و با رعایت حکمت و از طریق ابتکار شخصی، تا حد امکان با استفاده از بینش های روحانی و تعلیماتی که در فرایند مؤسسه آموزشی آموخته اند، به این وظیفه خطیر، قیام کنند و در این راه همدیگر را نیز تشویق و حمایت نمایند." (۵)

۴ - ۶ در جایی دیگر:

"نخستین عکس العمل و پاسخ ما باید قیام به تبلیغ - تبلیغ

خودمان و تبلیغ دیگران - در جمیع طبقات جامعه به جمیع وسائل ممکنه من دون وقفه و تأخیر باشد. حضرت عبدالبهاء در یکی از آثار نُصَحِيَه خود درباره تبلیغ می فرمایند: " تا شمعی به آتش نرسد شعله نیفرودد. تا نوری ساطع نشود ظلمت، زائل نگردد." (۶)

۷ - ۴ و نیز:

" ایام، مانند چشمک ستارگان به سرعت در گذر است. حال نقطه عطف بحرانی است که هرگز شبهه و مثلش دوباره پیش نخواهد آمد، فرصت را غنیمت شمارید و در این فرصت اقدامی نمایید که سبب شمول عنایات و الطاف الهیه گردد و برای شما و همه نوع انسان، ضامن آینده ای ماورای ارزشهای دنیوی شود." (۷)

۸ - ۴ ایضاً:

" جمیع احباء باید در نظر داشته باشند که فرصتی برای قناعت و اکتفاء به شکوه افتخارات گذشته وجود ندارد. وضعیت آسفاک جامعه بشری وخیم تر و بحرانی تر از آن است که در

آزمون ۴

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی که با (*) مشخص شده توضیح دهید.

صحیح غلط

الف- انجام رسالت تاریخی تبلیغ را می توان به تأخیر
انداخت؟

ب- ما اکنون در نقطه عطف بحرانی تاریخ هستیم.

*ج- وضعیت جامعه بشری وخیم و بحرانی است.

۲- وقت است. فرصت را باید شمرد. از نهراسید
و خود را در سبیل این فرآیند به کار برد.

۳- موانع موجود به سر راه نشر نفحات چیستند و چگونه می توان آنها
را از میان برداشت؟

۴- به نظر شما چرا فرصت ما برای انجام رسالت تاریخی خود در این
زمان اندک است؟

عرصه مائده حیات، که در این عصر و زمان از آسمان نازل شده
است، لمحه ای درنگ نماییم. لهذا، در پیشرفتِ جریانی که
وعدۀ توفیق در ظهورِ طلیعه ضیافتِ ربّ الجنود به روی جمیع
نفوسی که مشتاق مائده حقیقت هستند می دهد، نباید ادنی
تأخیری روا گردد. " (۸)

۹ - ۴ و نیز:

" وقت تنگ است. فرصت را باید غنیمت شمرد، از موانع
موجوده نهراسید و حداکثر قوای خود را در سبیل استحکام این
فرآیند، بکار برد. " (۹)

مراجع:

- ۱ - مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۴، ص ۱۳۳
- ۲ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۵۰
- ۳ - ایام تسعه، ص ۴۶۵ - ۴۶۶
- ۴ - پیام ۷ اکتبر ۲۰۰۵
- ۵ - پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶
- ۶ - پیام رضوان ۱۴۶ بدیع خطاب به بهائیان عالم
- ۷ - پیام رضوان ۱۵۶ بدیع خطاب به بهائیان عالم
- ۸ - پیام رضوان ۲۰۰۱
- ۹ - پیام ۷ جون ۲۰۰۷

۵- نشر نفحات الله در حین تضيیقات

۱ - ۵ حضرت بهاء الله می فرمایند:

"... به شأنی بر امر الهی مستقیم باش که هیچ امری تو را از خدمتی که به آن مأموری منع ننماید اگر چه من علی الارض، به معارضه و مجادله برخیزند" (۱)

۲ - ۵ حضرت عبدالبهاء

در لوح ابنِ اصدق از قلم مبارکِ میثاق نازل قوله الاحلی:
"منکرین و رادین، اول منادی حق هستند، مثل ردیه که ابن اثم مرقوم نموده. این نفوس اهمیتی نداشتند و ندارند. عنقریب ملاحظه خواهید نمود که نفوس بسیار مهمی از شرق و غرب، صحائف عظیمه بر ردّ نوشته و نعره زنان فریاد کنند چه که عظمت امر آنچه بیشتر ظاهر شود معترضین و منکرین و رادین، عظیم تر و کثیرتر گردد و کل، سبب اعلاء کلمة الله است. شما دعا نمائید که خدا از این قبیل رادین بسیار خلق فرماید چه که خیلی مفید است. انتهی" (۲)

۳ - ۵ همچنین:

" و از غرائبِ وقوعات اینست که اعظم وسیلهٔ صون و حمایت این حقیقتِ نورانیت، هجوم اعداست و آلام و محن بی انتها. زُجاج آن سراج، اریاحست و سبب سلامت آن سفینه، شدت امواج، لهذا باید از بلاءِ ایوب ممنون شد و از جفای اهل ذنوب باید خوشنود گشت، زیرا سبب بقا و وسیلهٔ کبری و نعمت عظمی و موهبت بی متهاست و علیک البهاء الابهی. "

(۳)

۴ - ۵ و نیز:

" امر به درجه ای عظیم است که در سبیلِ حق حتی ذلت، سبب عزت است ... اگر جمیع عالم متفق شوند و بخواهند که نفسی از احباء الله را ذلیل نمایند نتوانند، زیرا نهایت ذلت به حسب ظاهر، شهادت است و این شهادت سبب عزت ابدی. پس ثابت شد که حضرت احدیت از برای احباء، ذلت خلق ننموده. چیزی را که حق خلق ننموده که می تواند آنرا وجود دهد. (۴)

۵ - ۵ حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

" ... حال نیز با وجود ادامه تضيیقات داخله شدیده و وقوع حوادثِ هائله خارجه ... این عبد مَرَّةً أُخری از اعماقِ قلب و در نهایت اشتیاق، قیام عاشقانه یارانِ ستمدیده را آرزو و تمنا نمایم و ظهورِ علاماتِ ظفر و نصرتِ این امرِ عظیم را مترصد و منتظر ... " (۵)

۶ - ۵ و همچنین:

" نه اوضاع تهدید کننده عالم و نه ملاحظه فقدانِ وسائلِ مادی و عدمِ اتصاف به کمالات و فقدانِ علم و تجربه که ظاهراً مورد میل و مَطْمَحِ نظر است، نباید هیچ نفسی را که برای قیام به تبلیغ، پیش قدم و پیش آهنگ است، مستقلاً از قیام باز دارد و یا حائل و مانع شود، زیرا قوائی که حضرت بهاء الله مکرراً به ما اطمینان فرموده همین که بکار رود، مانند مغناطیس، جاذبِ تأییداتِ موعوده لاریبیهٔ حضرت بهاء الله است. چنین نفسی نباید منتظر هیچ گونه تشویقِ مخصوصی از طرف نمایندگانِ مُنتخَبِ جامعه خویش شود و یا به سبب هیچگونه موانعی که اقوام و یا هموطنانش بخواهند در سبیل او ایجاد نمایند، از

مقصود باز ماند و یا آنکه توجّه و اعتنائی به ملامت خورده گیران و تنقید دشمنان و منتقدین خویش نماید." (۶)

۷ - ۵ و نیز :

" بیان اثبات حقائق امریه و کشف اسرار الهیه و اثبات لزومیت شعایر دینیه و ترویج احکام سماویه با وجود انقلابات حالیه و مشاکل متنوعه و دسائس نفوس مغرضه و تهدیدات شدیدۀ متمادیه، اول فریضۀ پیروان امر حضرت آحدیه از رجال و نساء در جمیع مراکز امریه از مُدُن و قُری در آن صقع جلیل است." (۷)

۸ - ۵ بیت العدل اعظم:

" ... ید غیبی در کار است و جمیع حوادث روزگار، مُمدّ تأسیس شریعت پروردگار ... تا طوفان، نیاید و بحر، تلاطم نیابد و امواج، نیاشوبد چه بسا لؤلؤ لاء لاء که در قعر دریا همچنان در آغوش صدف، پنهان ماند و بر ساحل مقصود نیفتد ... بلی آتش امتحان در بنیان مَرصوص امر یزدان البته در نگیرد و خللی وارد نسازد و چه بسا در نفوسی که به آتش افروزی و یا به تماشا آمده اند، عطش طلب ایجاد نماید." (۸)

۹ - ۵ همچنین:

" در اقدامات مؤمنینِ اولیه که در شرایطی بس نامعلوم و تنها به اتکاء نیروی ایمانی خویش پیش رفتند و به تبلیغ امرالله ادامه دادند، تفکر کنید ولی آگاه باشید که شرایط اجتماع و دولت و ملت ایران از آن زمان تا به حال تغییر کلی نموده و بنابراین روش شما با طرز عمل آن مؤمنین فداکارِ اولیه، تفاوتی فراوان دارد." (۹)

۱۰ - ۵ و نیز :

" هر وقت مشکلات، غلبه نماید و تحمل شرایط موجوده غیر ممکن جلوه کند، آحبای عزیز باید بیش از پیش جنبه های روحانی استقامت و پایداری خود را در نظر گیرند. در زندگانی هیاکل مقدسه این آئین نازنین تفکر نمایند که چطور شئونات شخصی خود را فدا نموده و هرگونه رنج و شکنجه در راه غنی متعال را به جان و دل پذیرفتند. مگر حضرت ربّ اعلی در راه اعلاّی امر الهی جان فدا نفرمودند؟ مگر جمال مبارک به نفسه المقدّس از مال و ثروت و رفاه و آسایش، برای اعلان ندای ربّانی نگذشتند؟ مشقات سالیان دراز تبعید و زندانی

حضرت عبدالبهاء به سر آمد، ولی قدر و اهمیّت و اثراتِ لانهاییهٔ اسفارِ آن حضرت به اروپا و آمریکا برای پیشرفتِ امر مبارک و استقرارِ تمدنِ جهان آرای الهی، صفحاتِ تاریخِ عالمِ بشری را آلی الابد زینت بخشیده است. فداکاری ها و از خودگذشتگی های روزانهٔ احبای ایران و خدماتِ خالصانهٔ شان موجب رشدِ روحانیِ فردی و تقرّب به آستانِ مبارک و حصولِ عنایاتِ لاثُحصی در عوالمِ الهی برای شخصِ مؤمن و لازمهٔ بقای امرِ مبارک در سرزمینِ ولادتش می باشد. قوای روحانیِ منبعثه از این فداکاری ها و خدماتِ خالصانهٔ احبّا و تحمّلِ این شرایطِ طاقت فرسا، موجب پیشرفتِ امرالله و مآلاً تأسیسِ وحدتِ عالمِ انسانی خواهد شد. " (۱۰)

آزمون ۵

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی که با (*) مشخص شده توضیح دهید .

صحیح غلط

الف-در مواقع تضییقات و فقدان وسایل مادی لازم نیست به تبلیغ امر قیام کنیم.

* ب-ازدیاد منکرین و معترضین سبب اعلاء کلمة الله است.

ج- طرز عمل ما با مؤمنین اولیه امر متفاوت است.

۲- ید در کار است و جمیع روزگار، تأسیس شریعت پروردگار.

۳- چه طرز تفکری موجب می شود که افراد با وجود تضییقات فراوان به نشر نفعات الله بپردازند؟

۴- آیا فداکاری ها و از خود گذشتگی های روزانهٔ احبای ایران برای پیشرفت امر مبارک کفایت می کند؟

مراجع:

- ۱ - امر و خلق، جلد ۳، ص ۴۶۵
- ۲ - مائده آسمانی جلد ۵، ص ۲۵۷
- ۳ - مکاتیب عبدالبهاء، جلد هشتم، برگرفته از جزوه نور ایمان
- ۴ - پیام آسمانی، برگرفته از جزوه نور ایمان
- ۵ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۵۹
- ۶ - ظهور عدل الهی
- ۷ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۵۷ - ۵۸
- ۸ - پیام ۹ شهر العزه
- ۹ - پیام ۷ اکتبر ۲۰۰۵
- ۱۰ - پیام ۳۱ می ۲۰۰۶

۶- راه و روش تبلیغ

۱ - ۶ حاج میرزا حیدر علی در کتاب بهجت الصدور، از توصیه های حضرت بهاء الله خطاب به خود ایشان، چنین نقل می کند:

" مهربانی و محبت و انجذاب به مردم، اولین قدم تبلیغ امرالله است. مبلغ باید به دقت، استماع کند آنچه آن شخص می خواهد بگوید. حتی اگر صحبت های او افکار بیهوده و تکرار نظریات دیگران باشد، نباید مقاومت کند و در مجادله وارد شود. مبلغ نباید بگذارد که صحبتها با غلبه خود، به او تمام شود؛ چون شخص مقابل، احساس خواهد کرد شکست خورده است و لذا باعث می شود بیشتر، مقاومت کند. بهتر است بگوید شاید شما صحیح می فرمایید، ولی لطفاً این مطالب را از یک زاویه دیگر هم در نظر بگیرید. احترام و محبت و مهم شمردن مطالب شخص مقابل او را تشویق می کند که به مطالب شما گوش دهد و باعث نمی شود که وادار شود با مقاومت، رفتار کند. بلکه به درجه ایقان می رسد؛ چون می بیند هدف شما شکست او

نیست ، بلکه بیانِ حقیقت است و نشان دادنِ ادب است و
اتصاف به صفاتِ روحانی. " (۱)

۲ - ۶ جمال قدم در یکی از الواح:

" یا اسمی بیان نفوذ میطلبد چه اگر نافذ نباشد مؤثر
نخواهد بود و نفوذ آن معلق به آنفاسِ طیبه و قلوبِ صافیه بوده
و همچنین اعتدال می طلبد، چه اگر اعتدال نباشد سامع متحمل
نخواهد شد و در اول بر اعراض، قیام نماید ... " (۲)

۳ - ۶ و نیز خطاب به جمال بروجردی:

" ... ای جمال به شفقتِ پدری با جمیع اهلِ ارض، مُعاشر
باش و همچنین از ثدی حکمت، جمیع را تربیت نما ... " (۳)

۴ - ۶ ایضاً در لوحی دیگر:

" لسانِ شفقت، جذّابِ قلوب است و مائدهٔ روح و به مثابه
معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراقِ
آفتابِ حکمت و دانائی " . (۴)

۵ - ۶ و نیز:

" اگر نزد شما کلمه و یا جوهریست که دونِ شما از آن
محروم به لسانِ محبت و شفقت، القا نمائید اگر قبول شد و اثر
نمود مقصود حاصل و آلا او را به او واگذارید و دربارهٔ او دعا
نمائید نه جفا " . (۵)

۶ - ۶ همچنین:

" ... چه بسیار از کلمات که سببِ علوّ و سموّ و اشتعالِ
خَلَقست و چه مقدار سببِ برودت و افسردگی. یک کلمه، نارِ
محبت برافروزد و کلمه اُخری آن را بیفسرد " . (۶)

۷ - ۶ ایضاً:

" ... بیان، اگر به اندازه گفته شود رحمتِ الهی است و اگر
تجاوز نماید سبب و علتِ هلاک. در الواح، کل را وصیت
فرمودیم به بیانی که طبیعت و اثرِ شیر در او مستور باشد تا
اطفالِ عالم را تربیت نماید و به حد بلوغ رساند ... " (۷)

۸ - ۶ باز خطاب به یکی از یاران:

" او را اعانت نما تا حقیقت را تمیز دهد، بی آنکه برای

خود قدر و مقامی قائل باشی یا خود را برتر از او محسوب داری و یا صاحب موهبتی بیشتر بدانی. " (۸)

۹ - ۶ و نیز در خطابی دیگر به جناب میرزا حیدرعلی اصفهانی فرمودند:

" خلق خوش و به خوشی همراهی با خلق نمودن، راه تبلیغ است. هر چه طرف مقابل می گوید ولو هر قدر وهم و تقلید و بی معنی باشد باید اذعان نمود و خود و طرف مقابل را مشغول به دلیل اقامه نمودن ننمود که آخرش هم به لجاج و عناد منجر می شود. زیرا خود را مقهور و مغلوب مشاهده می نماید و بر غفلت و احتجابش می افزاید. باید ذکر نمود صحیح است این قسم هم ملاحظه بفرمائید صوابست یا خطا البته با تأدیب و محبت و ملاطفت، طرف مقابل گوش می دهد و به فکر جواب ساختن و دلیل پرداختن، مشغول نمی شود و مطالب را اذعان می نماید و چون ملاحظه نمود که مقصود، مجادله و غلبه نیست و مقصود القای کلمه حق و صدق است و اظهار انسانیت و رحمانیت البته انصاف می کند و گوش و چشم و دل فطرت اصلی اش باز می شود و به فضل الله، خلق جدید و صاحب بصر جدید و سمع تازه می شود و بسیار

از نتایج مذمومه مضره مجادله و غلبه را ذکر و فرمودند غصن اعظم هر صحبت بی معنی را چنان گوش می دهند که طرف مقابل می گوید از من می خواهند استفاضه نمایند و خورده خورده از راهی که نمی داند او را مشعر و مدرک می بخشند. " انتهی (۹)

۱۰ - ۶ و حضرت ولی عزیز امرالله:

" ... باید اعمال، مُمدّ و مثبت بیان در تبلیغ گردد و شخص مبلغ اولاً استعداد طالب و نوایای قلبیه و محیطش را به دقت ملاحظه نموده و آغاز صحبت نماید. تحصیل علوم و فنون و معارف و اکتساب معلومات هر چند از لوازم ضروریه محسوب نه ولی از تأثیر کلی و اهمیّت عظمی خارج نیست " . (۱۰)

۱۱ - ۶ و همچنین در توقیع مبارک خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا می فرمایند:

" احبای الهی مخصوصاً آنان که تجربه کافی در امر تبلیغ ندارند باید در طرز ابلاغ تعالیم امر الهی، نهایت دقت و مراقبت را به کار برند. حصول موقّعیّت در امر تبلیغ تنها منوط به صداقت و خلوص و ایمان نبوده، بلکه در عین حال تدبّر و

نهایتِ حَزْم و حکمت نیز لازم است. هنگامِ ابلاغِ کلمهٔ الله به عامه نفوس در بیانِ مطالب نباید عجله نمود، بلکه دقت و اهتمام، لازم است که تعالیمِ الهی را به طور جامع و کامل ابلاغ و برای رعایتِ خاطر دیگران دخل و تصرفی در آن ننمود... " (۱۱)

۱۲ - ۶ همچنین در پیامی به احبای آمریکا می فرمایند:

" آنان باید در تشریح جنبه های اساسی و برجستهٔ دیانتِ خویش نه تحریک آمیز باشند و نه سهل انگار، نه متعصب باشند نه به طور افراطی آسان گیر. می توانند بی باک باشند یا محتاط، سریع عمل کنند یا به کندی، روش مستقیم به کار برند یا غیر مستقیم، مدعی شوند یا مسالمت آمیز باشند. باید مطابق با پذیرشِ روحانیِ نفسی عمل نمایند که با او در تماس هستند، خواه وضعی باشد خواه شریف، شمالی یا جنوبی، فردی عادی یا کشیش، کاپیتالیست یا سوسیالیست، مقام دولتی یا شاهزاده، صنعتگر یا فقیر. در معرفی پیام حضرت بهاء الله نه تردید کنند و نه تزلزل یابند. نه فقیر را تحقیر کنند و نه مرعوب بزرگان شوند. در تشریح حقائق نه بیش از حد اصرار ورزند و نه از حقیقتی که دفاع می کنند ذره ای بکاهند، خواه شنونده از دستگاه سلطنت باشد یا از اربابِ کلیسا، اهل سیاست باشد یا تجارت و یا فردی

عادی، به تمام آنها ، از عالی یا دانی ، غنی یا فقیر، باید با دستهای باز ، با قلبِ نورانی، به زبانی فصیح ، با صبرِ بسیار، با صداقتی خلل ناپذیر، با کمالِ حکمت، با شجاعتی تزلزل ناپذیر، کأسِ نجات را در این ساعاتِ بحرانی تقدیم نمایند ... " (۱۲)

۱۳ - ۶ و بیت العدل اعظم:

" وظیفه ما بیان این نکته به متحریان است که جمیع ما در جهانی واحد زندگی می کنیم، با امتحاناتی مشترک مواجهیم و برای تحققِ آمال و آرمانهای دیرین و مشابه برای نوع بشر جد و جهد می نماییم. مقصود ما که وحدت و همبستگی با سایر بنی نوع انسان می باشد، باید در کمالِ خلوص و صمیمیت، بیان و از صمیم قلب احساس شود. " (۱۳)

۱۴ - ۶ همچنین:

" وقتی غیر بهائیان متوجه شوند که در این امر، هیچ گونه فشاری وجود ندارد، بلکه تمایلِ واقعی از طرفِ بهائیان وجود دارد که مائده روحانی موجود در تعالیمِ حضرت بهاء الله را در اختیار آنها بگذارند، عکس العمل آنها مثبت است و خود آنها به سهولت به اجتماعاتِ بهائی روی می آورند. " (۱۴)

آزمون ۶

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی که با (*) مشخص شده توضیح دهید.

صحیح غلط

* الف- مقصد از تبلیغ امرالله مبارزه و مجادله و تفوق در کلام نیست.

* ب- وقتی کسی به گفتار و کلام ما توجهی نکرد دیگر نباید برای او کاری انجام داد.

* ج- تحصیل علوم و فنون و معارف از لوازم ضروریه تبلیغ نیست، اما تأثیر کلی و اهمیت بسیار دارد.

۲- بیان اگر گفته شود است و اگر نماید سبب و علت

۳- برداشت و نظر خود را درباره این بیان مبارک حضرت ولی امرالله ذکر بفرمائید.

" باید اعمال ممدّ و مثبت بیان در تبلیغ گردد و شخص مبلغ اولاً استعداد طالب و نوایای قلبیه و محیطش را ملاحظه نموده و آغاز صحبت نماید ... "

* ۴- چند مثال ذکر کنید که نشان دهنده رعایت " لسان شفقت " در تبلیغ باشد.

۵- به فرموده حضرت ولی امرالله در تبلیغ علاوه بر صداقت و خلوص و ایمان چه ویژگی های دیگری مورد نیاز می باشد؟ احباء باید در تشریح جنبه های اساسی و برجسته دیانت خویش چه ویژگی هایی داشته باشند؟

۶- توصیه های حضرت بهاء الله به جناب حاج میرزا حیدرعلی اصفهانی چه بود؟

مراجع:

۷ - روش تبلیغی حضرت عبدالبهاء

لسان تبلیغ بگشایند و روش بدیع بنمایند.

" حضرت عبدالبهاء "

احباً باید روش و سلوکی گیرند که سبب
انجذاب قلوب گردد نه فرارِ نفوس، سلیم و حلیم
باشند و بردبار و با جمیع نفوس، چه آبرار چه
آشرار به ملایمت و ملاطفت رفتار نمایند، تحمل
کنند و تَلَطُّف نمایند...

" مکاتیب عبدالبهاء جلد ۸، ص ۷۱ "

- ۱ - بهجت الصدور
- ۲ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۳۸
- ۳ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۰
- ۴ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۳۹
- ۵ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۳۹
- ۶ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۴۰
- ۷ - ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۷۳
- ۸ - کتاب جوانان، ص ۱۶۲
- ۹ - کتاب جوانان، ص ۱۶۸
- ۱۰ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۰۶
- ۱۱ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۰۸
- ۱۲ - مؤسسه روحی، کتاب ششم، ص ۸۰ - ۸۱
- ۱۳ - بیت العدل اعظم
- ۱۴ - بیت العدل اعظم

۱ - ۷ بیان حضرت ولی امرالله درباره روش تبلیغی حضرت عبدالبهاء:

"در کلیه آحیان، محبوب خود، حضرت عبدالبهاء و طریقه تبشیر و تبلیغ او را به خاطر آوریم. او با حکمت تام و مهارت کامل با فرق مختلفه تماس حاصل می کرد. در ملاقاتهای اولیه، با نهایت دقت و بردباری و حضور ذهن، بیان مطلب می فرمود. در جمیع خطابات خود، وسیع النظر بود و با علو فکر، تعالیم و اصول مُحکمه امریه را تشریح و تبیین می نمود. با صبر و سکون و دقت به تدریج، پرده از وجه حقایق منیره این آئین مقدس بر می داشت با عاطفه و احساس شدیدی، خلق را دعوت به ملکوت الهی می فرمود و با عشق و ایمان، مطالب و حقایق عالیه را به مستمعین القاء می نمود. با وجود چنین شعله و حرارت و انجذابی، وقار و سکونت را در مباحثات خود از دست نمی داد و با لحنی مطمئن به صحبت بر می خاست. در عقاید و آراء خویش، چون جَبَلِ آهنین، محکم و متین بود و در طرق حیاتی، بسیار وقور و سنگین مشی می فرمود. آن مولای عالمیان با چنین خصائص برجسته ای به تبلیغ و انتشار امر حضرت بهاء الله قیام فرمود." (۱)

۲ - ۷ و همچنین:

"... به کرات و مرات از لسان اطهر میثاق شنیده شد که اگر چنانچه مبادی اساسیه و تعالیم اصلیه حضرت بهاء الله که در بلاد غرب علی رؤس لاشهاد اعلان و بیان شد، در نهایت وقار و تجرد و توجه و خلوص به طالب مستعد به همان اسلوب بدیع و لحن جدید و ترتیب کامل که موافق و مطابق مشرب عالم است القاء گردد، چندی نگذرد که مستمع، منقلب گردد و نور ایمان در قلبش پرتو افکند..." (۲)

۳ - ۷ توصیه های حضرت عبدالبهاء:

"بیان باید به مشرب حضار و اقتضای وقت باشد و حسن عبارات و اعتدال در اداء معانی و کلمات لازم، فقط حرف زدن نیست. همیشه در عکا میرزا محمد علی بیاناتی را که از من می شنید به عینها در مواقع دیگر ذکر می کرد، ولی ملتفت نبود که هزاران حکم و مصالح لازم است نه، تنها گفتن. در ایام بغداد و سلیمانیه، شیخ عبدالحسین گفته بود که جمال مبارک کردها را به این وسیله جمع و جذب کردند که اصطلاحات عرفا و صوفیه را بیان می نمودند. بیچاره شیخ مذکور رفت و کتاب

فتوحاتِ مکيه را پيدا و عبارات آن را حفظ نموده در هر جا ذکر کرد. دید هیچ کس گوش نمی دهد. خیلی تعجب کرد که چرا مردم گوش نمی دهند. جمال مبارک فرمودند: " به شیخ بگوئید که ما فتوحاتِ مکيه را نمی خوانیم بلکه آیاتِ مدینه را القا می کنیم. فصوصِ شیخ را نمی گوئیم، بل از نصوصِ الهیه حرف می زنیم " . (۳)

۴ - ۷ همچنین:

" احباً باید روش و سلوکی گیرند که سببِ انجذابِ قلوب گردد نه فرارِ نفوس ، سلیم و حلیم باشند و بردبار و با جمیع نفوس چه آبرار چه آشرار به ملایمت و ملاطفت، رفتار نمایند ، تحمل کنند و تَلَطُّف نمایند ... " (۴)

۵ - ۷ و نیز:

" ... من در هیچ مدرسه داخل نشدم مع هذا در ایام طفولیت وقتی در بغداد برای جمعی صحبت می کردم بر حسب استعداد آنها بغتاً دیدم والی وارد شد ، فوراً ملاحظه کردم که آن صحبتها به کار والی نمی خورد. بلا مقدمه این آیه را خواندم که

اذ قالَ موسى رَبِّ اَرِنِي اَنْظُرِ اَيْك. اگر لقای الهی در این عالم محال بود حضرت موسی سؤال از امرِ محال نمی نمودند پس از این آیه معلوم است که لقای الهی در این دنیا ممکن است ... " (۵)

۶ - ۷ در سفرنامه جلد اول صفحه ۳۱۴ مذکور است که :
" فرمودند نطقهای من همه به اقتضای وقت و اندازه استعداد نفوس است.

بهر طفلک آن پدر تی تی کند

گر چه عقلش هندسه گیتی کند "

(۶)

۷ - ۷ همچنین:

" در مجامع، گفتگوهای من همه مبنی بر اساسِ موضوعی است که هم موافقِ حقیقت و هم در نهایتِ حکمت است. مثلاً می گویم اصولِ حقایقِ ادیانِ الهیه یکی است. جمیع انبیاء، مطالعِ حقیقتند. البته کسی نمی تواند بگوید اساسِ انبیاء و حقیقتِ تعالیم آنها مختلف بوده ، پس گفته می شود که از خصائصِ تعالیم بهاء الله صلحِ اکبر است، وحدتِ عالم انسانی است، منع

لعن و طعن است، معاشرت با ادیان است، وحدتِ وطن و وحدتِ جنس و سیاست و امثال ذلک است. آیا هیچ یک از اینها در کتب و ادیان سابقه بود؟ و در آخر، بیان می شود که شرائع و ادیان الهیه منقسم به دو قسم بوده، قسمی صرف روحانیاتست که این اصول و احکام روحانیه در جمیع شرایع الهیه یکی بوده، قسم دیگر فروع احکام است که به مقتضای هر عصری تبدیل شده. مثل این که در توراتست که اگر کسی دندان کسی را بشکند دندان او را بشکنید، اگر چشم کسی را کور نماید چشمش را کور کنید، برای یک دالر دست بریده شود. حال آیا اینها جایز است و عمل آنها در این عصر ممکن؟ البته هیچ کس نمی تواند بگوید جایز است. در این صورت جمیع مسائل مهمه ابلاغ شده و احدی هم انکار و اعتراض ننموده " (۷)

۸ - ۷ ایضاً:

" تعالیم الهیه در این دور نورانی چنین است که نباید نفوس را توهین نمود و به جهالت، نسبت داد که تو ندانی و من دانم، بلکه باید به جمیع، نفوس به نظر احترام نظر کرد و در بیان و دلالت به طرز تحرّی حقیقت، مکالمه نمود که بیائید مسائلی چند در میان است تا تحرّی حقیقت نمائیم و ببینیم چگونه و

چسان است. مبلّغ نباید خویش را دانا و دیگران را نادان شمرد، این فکر سبب تکبر گردد و تکبر سبب عدم تأثر، بلکه باید امتیازی در خود نبیند و با دیگران به نهایتِ مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد. این نوع بیان تأثیر کند و سبب تربیتِ نفوس شود " (۸)

۹ - ۷ ایضاً:

" طیبِ روحانی که باید بر هدایتِ نفوسِ سقیمه به امراضِ باطنی قیام نماید. در جمیع معالجات، سر رشته از طبّ جسمانی گیرد و بر آن ترتیب حرکت نماید. مثلاً اول، تشخیصِ مرضِ هر نفس را بدهد و مزاج و استعداد و قابلیتِ او را کشف کند و بر آن اساس ترتیبِ علاج نماید و منتهای مدارا و مهربانی را با او ملحوظ دارد. فی الحقیقه خیرخواه و غمخوار علیل و مریض باشد، نه آنکه چون مرضِ او را شدید بیند طرد و تبعید کند و به غلظت معامله نماید، بلکه به قدر امکان در صحّت او بکوشد و چون عاجز گردد و تمرّد از معالجه مشاهده کند ترک او کند. چون در این کور اعظم، مدارِ رفتار و گفتار و کردارِ احبّای الهی بر این منوال است و طبّ باطن را به طبّ ظاهر تطبیق و

قیاس لازم، لهذا طیبِ اجسام باش و پزشکِ دلها و معالجِ جانها، جسمِ علیلِ عالم را دواى نافع باش و مزاجِ ضعیفِ آدم را داروی نافع، سمِ جهل و غفلت را دریاقِ اعظم شو و زهرِ احتجاب و سوء اخلاق را پادزهرِ مکرم گرد تا از افقِ طبِ الهی چون آفتاب بدرخشی و از مشرقِ حکمتِ ربّانی، چون مه تابان طالع شوی و حیاتِ روحانی و زندگانیِ جاودانی، مبذول داری ... " (۹)

۱۰ - ۷ خطاب به میرزا محمد باقرخان شیرازی:

" ... عبدالبهاء میدانی وسیع یافت و جولانگاهی فسیح دید. در جمیع مجامع و محافل، ضجیح یا بهاء الابهی بلند نمود و صریخ یا علیّ الاعلیّ به اوجِ اعلیّ رساند از الطافِ بی پایانِ جمالِ مبارک، منتظرِ ظهورِ نتایجِ این سفر. امیدوارم که این روش عبدالبهاء دستورالعمل احبّا گردد تا کل به این نحو تبلیغ نمایند...." (۱۰)

۱۱ - ۷ کلبی آیواز در کتاب درگه دوست:

"...کوچکترین حرکت و مختصرترین بیان و کلامشان و کمترین تماس و معاشرتشان تا اعماقِ روح، اثر می کرد و دائماً

روانِ مستمعین را از عالمِ پستِ ماده به جهانهای بلند و فهم و ادراکی اعلیّ، صعود می بخشیدند. وقتی تکلم می فرمودند قلوب جمع در سینه هاشان مملو از اشتعال بود. هرگز مجادله نمی فرمودند و ابداً به سر یک کلمه نمی ایستادند، طرف را آزاد می گذاشتند. ابداً با غرور و تسلط تکلم نمی فرمودند بلکه بالعکس دائماً در جمیع حالات و شئون، تجسمِ عبودیتِ محضه بودند. تعلیم می دادند اما چون کسی که هدیه ای نزد سلطان می برد ... " (۱۱)

۱۲ - ۷ وی رفتار حضرت عبدالبهاء را با یک کشیش متعصب چنین بیان می کند:

" ... جناب کشیش ادامه نطق و اطالۀ کلام داد، صبر و حوصله من تمام شد. حرکتِ او موجبِ شرمساری من بود و من به جای او در محضرِ مبارک خجل و منفعل بودم. چرا هیکلِ مبارک به سطحی بودنِ أسئله او توجهی نداشتند؟ آیا نمی دانستند که این شخص، فقط در پی آن است که مطالبی را جمع آوری نماید و مقاله ای به جهتِ مجله ای که مخالف است بنویسد و پولی در مقابل، دریافت دارد؟ چرا صحبتِ او قطع

نمی شد و ملاقات به پایان نمی رسید؟ صبرِ دیگران به آخر رسید، ولی حضرت عبدالبهاء هم چنان آرام و صابر، جالس بودند و بلکه وی را تشویق هم می فرمودند که آنچه دارد بگوید. اگر گاهی کمی ساکت می شد یکی دو کلمه بیان می فرمودند و بعد با همان صبر و حوصلهٔ عجیب منتظر آسئله و گفته های وی می نشستند. بالاخره کشیش، ساکت شد، سکوت برای مدت کمی حکمفرما گردید و سپس آن صوت طنین انداز مجدداً فضا را مهتز ساخت. مترجم جمله به جمله ترجمه می کرد ... در ظرف چند دقیقه، سائل، کوچک شد و برای لحظه ای اقلأ در پای استاد نشست... بعد هیکل مبارک از جا برخاستند و همه با او جسماً و روحاً از جا برخاستیم و او را به نهایت محبت در آغوش گرفتند و تا دم در مشایعتش فرمودند. چون به درگاه رسیدند توقف فرمودند. چشمشان به دسته گل زیبایی افتاد که یکی از احباء صبح همان روز تقدیم نموده بود و اقلأ ۳۴ تا ۳۶ شاخه گل رعنا داشت. شاخه ها بلند و به قدری گل از هر طرف بر هر شاخه ای احاطه داشت که چون چیز بسیار زیبایی آن گوشه از اطاق را جلوه ای مخصوص بخشیده بود که همه مجذوب جمال و عطر آن گلها بودیم. به محض این

که نگاه حضرت عبدالبهاء بر آن دسته گل دماغ پرور افتاد، خنده ای فرمودند و قهقهه ای زدند که تمام فضا را پر کرد، سپس خم شده تمام دسته گل را در آغوش مبارک جمع فرمودند و جمیع را در بغل زائر خود جای دادند. هرگز موهای سپید و صورت گرد عینک زده آن کشیش را در پس آن خرمن گل فراموش نمی نمایم. چهره اش مملو از تعجب و نور بود و در عین حال سراپای وجودش تقلیب و پر از خضوع گشت. حضرت عبدالبهاء خوب می دانستند که محبت الهی را چگونه تعلیم فرمایند ... " (۱۲)

۱۳ - ۷ وی همچنین می نویسد:

" (آن حضرت) ... جهان های جمال و عظمت الهی را به طوری به ما نشان می دادند و قلوبمان را برای وصول بدان عوالم نادیده از شوق از هم می پاشیدند که نفرتی عظیم به آنچه ما را به اسم حیات احاطه کرده بود، در قلوب احساس می کردیم ... " (۱۳)

۱۴ - ۷ و در قسمت دیگری از این کتاب می خوانیم که :

" (آن حضرت) مسائل را ابتدا با سکوت، جواب می فرمودند، البته سکوت، خارجی بود ولاً دائماً در باطن، طرف را تشویق بر تکلم می نمودند و خودشان با نهایت ادب و رأفت به همه گفته ها گوش می دادند. غالباً مستمعین برای هر سؤالی از دیگران، جوابی فوری ساخته و پرداخته می شنوند. ولی هیکل مبارک چنین نبودند، در محضر مبارک هرگز به طالب حقیقت آن فشار و ناراحتی مخصوصی که برای جویندگان حقیقت، روی می دهد به ظهور نمی رسید ... در اثر تشویق هیکل مبارک، زائر آنچه داشت ابراز میداشت و هرچه در بطون روح و قلبش برای مدتها پنهان مانده بود ظاهر می ساخت و همین که از کلمات، خالی می گردید. حضرت عبدالبهاء فوراً به جواب بر نمی خاستند، سکوت می فرمودند و عظمی نمی کردند ، نصیحت نمی نمودند ، کمی چشمهای مبارک را می بستند، گوئی از جهان های پنهان الهی، منتظر تأیید و هدایت ربّانی هستند و سپس در اعماق روح گوینده، تفحص می فرمودند و با لبخندی که قلب را آب می کرد به چهره سائل می نگریستند و بالاخره وقتی کلامی می فرمودند و یا جمله ای آدا می نمودند،

کلمات به قدری غیر منتظره و گاه به کلی غریب و خارج از موضوع به نظر می رسید که سائل ابتدا حیران می گردید، ولی همه وقت خود من احساس می نمودم که این گونه آجوبه مبارک به اعماق روح و دل می نشست و بلکه عمیق تر از حدود فهم ظاهر، اثر و نفوذ می کرد ... " (۱۴)

۱۵ - ۷ همچنین:

" ... و دیگر آنکه به قدر طلب و استعداد و عطش هر نفسی با او تکلم نماید، هر وقت تشنه ئی یافت سلسبیل هدایت را مبذول دارد . ماها گران خریده ایم این جواهر ثمینه را ارزان نمی فروشیم. احبای الهی این امر عظیم را به جانفشانی قبول نمودند. در زیر زنجیر و شکنجه و عذاب افتادند، لذا سلسبیل هدایت را به تشنگان دهند چه اگر کسی تشنه نباشد ولو هر قدر آب گوارا یابد ابدأ لذت نبرد... انتهی " (۱۵)

۱۶ - ۷ " روزی حضرت عبدالبهاء و مترجم من در یکی از اطاقهای پذیرائی، تنها بودیم. هیکل مبارک درباره یکی از احکام مسیحیت صحبت می فرمودند و تعبیر ایشان به قدری با تفاسیر معموله فرق داشت که نتوانستم جلوی خود را بگیرم به

طوری که زبان گشوده اعتراض خود را عرض کردم. خوب به خاطر دارم که با کمالِ حرارت گفتم چگونه ممکن است اینقدر مطمئن بود. هیچکس نمی تواند پس از قرنهای سوء تفسیر و مجادله بگوید مقصود اصلی حضرت مسیح این است. به آرامی فرمودند: "کاملاً ممکن است." این البته نشانه ای از اضطراب روحی من و کوری من به مقام ایشان بود که با وجود آن همه استحکام و متانت و لهجه مملو از قدرت و سیطره به جای آنکه راحت شوم بدون صبر و با نهایت شتاب بر زبان رانده گفتم نمی توانم قبول کنم. هرگز نگاه غضب آلوده ای را که مترجم بر من انداخت فراموش نمی کنم، زیرا او با نگاه خود واضحاً به من گفت تو کیستی که اعتراض نمائی و یا حتی قابلیت سؤال از هیکل مبارک را داشته باشی؟ ولی حضرت عبدالبهاء این چنین فرمودند و چقدر سپاسگزارم که آن چنان نبود. پیش از آنکه باز رشته سخن را در دست گیرند لحظه ای طولانی بر من گذشت، نگریستند، چشم های زیبا و آرامشان در پی روح من می گشت و با چنان محبت و عرفانی در پی آن گوهر گمشده بود که تمام حرارت اعتراض در من افسرده شد، بعد همانگونه که عاشقی لبخند فاتحانه به معشوق خود می زند بر

من نگریستند، لبخندی زدند و گوئی دستهای روحشان باز شده و مرا در آغوش گرفتند و در آن حال به من فرمودند: "من از راه خود کوشش می کنم و تو از طریق خودت" این بیان مانند دست سردی بود که بر پیشانی تب داری گذارده شد و یا چون شربت آب گوارائی بود که به لب سوخته ای عنایت گردید، گوئی با مفتاحی غیبی، ابواب قلب منجمد و زنگ زده من باز شد، اشک از دیدگانم فرو ریخت و صدایم می لرزید و آهسته عرض کردم ببخشید ... " (۱۶)

آزمون ۷

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی که با (*) مشخص شده توضیح دهید.

صحیح غلط

- الف- بیان باید به مشرب حضار و اقتضای وقت باشد.
- ب- مبلغ نباید خویش را دانا و دیگران را نادان شمرد.
- ج- اگر طبیب روحانی امراض را شدید بیند باید مریض را طرد و ترک کند.

۲- داستان حضرت عبدالبهاء و کشیش چه نکاتی را برای روش تبلیغی حضرت عبدالبهاء در بر دارد؟

۳- حضرت ولی عزیز امرالله چه ویژگیهائی را برای روش تبلیغ حضرت عبدالبهاء ذکر می فرمایند؟

۴- دربارهٔ بیان حضرت عبدالبهاء که " ... ماها گران خریده ایم این جواهر ثمینه را ارزان نمی فروشیم ... " صحبت و گفتگو نمایید.

۵- گفتگوهای حضرت عبدالبهاء در مجامع بر چه اساسی استوار بود؟ (با ذکر مثال)

مراجع:

- ۱- منتخبی از توابع مبارکه (۱۹۲۲ - ۱۹۳۲) ص ۷۰
- ۲- توفیعات مبارکه جلد ۱، ص ۲۸
- ۳- امر و خلق جلد سوم، ص ۴۹۳
- ۴- مکاتیب عبدالبهاء جلد ۸، ص ۷۱
- ۵- سفرنامه جلد دوم، ص ۲۶۰
- ۶- سفرنامه جلد اول ص ۳۱۴
- ۷- سفرنامه جلد اول صفحه ۱۵۸
- ۸- کتاب جوانان، ص ۱۶۸
- ۹- امر و خلق جلد سوم، ص ۴۸۰ - ۴۸۱
- ۱۰- رساله راهنمای تبلیغ، ص ۹۸
- ۱۱- درگه دوست، ص ۴۹
- ۱۲- درگه دوست، ص ۶۱ - ۶۴
- ۱۳- درگه دوست، ص ۹۰
- ۱۴- درگه دوست، ص ۲۶۱
- ۱۵- یادداشت‌هایی دربارهٔ حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۸۰۴
- ۱۶- درگه دوست، ص ۴۵

۸ - ذکر یکی از مشکلات ما در تبلیغ و طریق رفع آن

۱ - ۸ قسمتی از مقاله حضرت روحیه خانم:

"... یکی از مشکلات اصلی ما این است که همیشه ما به حوائج شخص طالب پی نمی بریم، تا هر چه می خواهد به او برسانیم. بعضی از ما فراموش می کنیم که تا ظرفی را خالی نکنیم نمی توانیم چیزی را در آن بریزیم. شخص مبتدی که به جلسات ما می آید و یا او را تصادفاً می بینیم اکثر اوقات، خاطری پُر و دلی ناراضی دارد. ما به او اجازه نمی دهیم که درد خود را بگوید و آنچه در خاطر دارد عرضه نماید تا از بار سنگین فکری و شک و ریب ها و مشکلات و فرضیه های مختلفه خود قدری فراغت یابد. چون می دانیم که ما جواب مشکلات او را داریم، فوراً سعی می کنیم آنچه را جواب مسائل او فرض می کنیم به او خواه و ناخواه تحمیل نمائیم. این رویه به ندرت مکلل به موفقیت می شود و علت هم معلوم است. برای جواب ما هنوز جایی در خاطر او باز نشده و پیش از اینکه

بتواند مشکلات و ناراحتیهای خود را از خاطر بیرون ریزد و محلی به این ترتیب برای تعالیم بهائی در خاطر خود باز کند ما سعی می کنیم، آنچه داریم به زور در خاطر سنگین او خالی کنیم... (۱)

۲ - ۸ طریق رفع این مشکل:

"... ما باید خود را به منزله طیب بگیریم، علاج امراض در نزد ما است و باید آنچه بتوانیم دوی مرض را زود به ارباب حاجت برسانیم. ولی آیا مریض نزد دکتر چه می کند، باید درد خود را بگوید و علائم و آثار مرض را بیان و نمایان نماید. ولی اگر به محض ورود مریض به مطب دکتر، شخص دکتر شروع به بیان وضع خویش کند و یا از نظر خود راجع به مسائل بین المللی و وقایع آینده بحث نماید و یا از رویاهای همسر خویش شرحی به میان آورد، آیا مریض از این وضعیت راضی خواهد بود و یا مجذوب دکتر خواهد گشت و در چنین حالی آیا داروی چنین دکتری را به کار خواهد انداخت؟ جواب پر واضح است. تبلیغ، تا حد زیادی عبارت از تکامل در فن استماع است. گوش دادنی که در فن گوش دادن به حد صنعت و هنر، کامل گشته باشد. اگر به طرف خود گوش دهید تا بفهمید

دردش چیست و چه حاجتی دارد به خوبی می توانید از آثار مبارکه، دوی درد و جواب سؤال او را انتخاب و به او تفهیم نمائید. ولی مَعَ الْأَسْفِ جميع ماها افکار ثابت و تمایلات دست آموزی که قرین و مونس شب و روز ما است، در مواضع مختلف و از زوایای متعدده مربوط به امر الهی و غیر آن داریم، به همین جهت، اغلب اتفاق می افتد که شخصی که به حد وافر علاقمند به مسائل اقتصادی است گریبانش به دست بهائی پرجوش و خروشی افتاده که علاقه شدیدی به حیات بعد از ممات و بقای روح دارد. مبتدی در هذیان میزان کارمزد و ساعات کار و تجارت آزاد و تسهیم منافع، غلیان دارد و مبلغ به کمال جدّ، هذیان را با بیان صفات و کمالات روح انسانی و عود به مبداء و کیفیات معاد تلافی می کند ... اگر مبلغ دارای اطلاعات کافی و جامع در امر نیست که بتواند با عالم اقتصادی از اقتصادیات و یا عالم علوم روحی از روحانیان صحبت کند، اقلّاً باید عقل و درایت خویش را از این راه به کار بندد که به عدم اطلاع خود معترف شود و طالب حقیقت را به شخصی برساند که علم و اطلاعش در امر بهائی در موضوع مورد حاجت کافی باشد. " (۲)

آزمون ۸

۱- به اختصار مشکلی را که روحیه خانم ذکر نمودند، شرح داده و طرق رفع آن را بیان نمایید.

مراجع:

۱ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۶۰

۲ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۶۰ - ۱۶۲

۹- تأییدات الهیه

".... اگر تأییدات و عنایات او نبود واللّٰهُ الَّذی لَا
اله الا هو که چون ما از ساحل شرق به آمریکا
داخل و از غرب خارج شدیم به ما ابداً کسی اعتنا
نمی نمود، اینها همه تأییدات جمال مبارک است که
این ابواب را مفتوح فرمود ..."

(سفرنامه جلد اول، ص ۲۴۳)

۱ - ۹ نصوص مبارکه (حضرت عبدالبهاء)

" ... اگر نفسی مؤید به این الطافِ خفیه گردد یک سواره بر صفِ عالم زند، زیرا تأییدات ملکوتِ ابھی و عون و حمایتِ جمالِ قدم، روحی لاجبائِه الفدا پیاپی رسد، چنانچه تجربه نمودی . باری مطمئن به آیه مبارکه باش که می فرماید: و نَرَاكُم مِّنْ أُنْفُسِ الْإِبْهِي وَ نَنْصُرُ مَنْ قَامَ عَلٰی نُصْرَةِ أَمْرِي بِجُنُودٍ مِّنَ الْمَلَأِ الْأَعْلٰی وَ قَبِيلٍ مِّنَ الْمَلَأِئِكَةِ الْمُقْرَبِينَ ... "

(مضمون بیان مبارک به فارسی:

و شما را از افق ابھایم می بینیم و کسی را که بر نصرت امرم قیام نمود، با لشکری از ارواح مقدّسه و گروهی از فرشتگان مقرب یاری می کنیم.) (۱)

۲ - ۹ " ... هر نفسی به قدمی ثابت و عزمی راسخ و جذب و ولهی روحانی و توجه و تبثلی ربّانی زبان به تبلیغ گشاید، روح القدس تأیید نماید تجربه آسانست و جنودِ ملاءِ اعلیٰ صفوفِ آراسته و منتظرِ جَولان... " (۲)

۳ - ۹ و به افتخار جناب سمندر:

" ... الیوم هر مقصدی جز این مقصدِ جلیل، عبث و هر سعی و کوششی جز در این سبیل بی ثمر. این مقصد، آلیوم موفق است هر نفسی بر این امر قیام نماید یعنی تبلیغ امرالله، قسم به جمال قدم که تأییدات الهی را چون امواجِ بحار، مشاهده نماید و توفیقاتِ رحمانیه را چون آفتاب آشکار ... " (۳)

۴ - ۹ " ... هر چیزی محدود است مگر فیض الهی که به سبب تبلیغ امرالله بر انسان نازل می شود و الهامات ربّانیه تأیید می نماید. این است که حضرت مسیح فرمود وقتی که می خواهید صحبت بدارید فکر نکنید روح القدس شما را الهام می کند ... " (۴)

۵ - ۹ " قُوّت تبلیغ موهبتی است نه اکتسابی. بیانِ حجت و برهان، فیضِ رحمان است نه به واسطه علوم و معانی، چه بسیار واقع که شخص اُمّی، سببِ هدایتِ عالمی گردید. حال تو نیز توکل بر حق کن و با عدم بضاعت به این تجارتِ رابحه پرداز،

زیرا سرمایه فیضِ جمال مبارک است و الطافِ حضرتِ مقصود. امیدوارم به آن مؤید و موفق شوی لسانِ فصیحِ بگشائی و در تبلیغ، بیانِ بلیغِ بنمائی. " (۵)

۶ - ۹ و نیز:

" ... مطمئن باشید و امیدوار به عنایات و تأییداتِ جمال مبارک که قطره را دریا نماید، دانه را درختی بارور گرداند، ذره را آفتاب کند و سنگ را گوهرِ آبدار فرماید. عنایتِ او عظیم است، خزائنِ او مملو است و فیوضاتِ او بی انتها است. خدائی که به دیگران عنایت فرمود، به شما هم عنایت می فرماید. من به درگاه الهی تضرع و زاری نمایم و از برای شما تأییدات عظیمه طالبم که زبانتان سیفِ قاطع شود، قلوبتان محلِ تجلّی انوارِ شمسِ حقیقت گردد... " (۶)

۷ - ۹ همچنین:

" ... اگر تأییداتِ آسمانی شامل شود هر یک از ما ستاره درخشنده گردد و آلا از خاک پست تر شود... " (۷)

۸ - ۹ و نیز:

" ... من هیچ وقت در مجامع، نطق نکرده بودم، بدایتاً وقتی می خواستم صحبت کنم عرق از جبینم می ریخت، اما تأییداتِ جمال مبارک چنان شامل شد که در جمیع مجامع، ندا به ملکوتِ ابهی گردید. لهذا شماها همه بروید و مطمئن به تأییدِ جمالِ مبارک باشید ... " (۸)

۹ - ۹ حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" آیا تصور می کنید که مبلّغین قادرند که عقاید را تغییر داده و یا قلوب را تقلیب نمایند؟ کلاً و حاشا. آنها فقط نفوس مجرده ای هستند که خود را تسلیم نموده تا روحِ حضرت بهاء الله به هر نحو که اراده فرماید، ایشان را به حرکت انداخته مورد استفاده قرار دهد ... میزانِ موفقیت ، حدی است که خود را تسلیم نموده تا اراده حق به وسیله ما عمل نماید. " (۹)

۱۰ - ۹ بیت العدل اعظم:

" ... وفا به امر بها نمائید ... و از انجام آنچه در استطاعتِ شما است دریغ ننمائید. حضرت ربِّ اعلی، جمالِ اقدسِ ابهی ،

حضرت مولی الوری و مولای حنون حضرت ولی عزیز امرالله
از ملاء اعلی شما را یاری می نمایند. " (۱۰)

آزمون ۹

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی
که با (*) مشخص شده توضیح دهید.

۱۱ - ۹ میرزا حیدرعلی اصفهانی در بهجت الصدور:

صحیح غلط

- الف- البوم هیچ امری جز نشر نفاتح الله بیهوده و هر کوششی
جز در این سبیل بی ثمر است.
- ب- فیض الهی که به سبب تبلیغ امرالله بر انسان نازل می شود،
محدود است.
- * ج - مبلغین به شخصه قادرند عقاید را تغییر دهند و قلوب را
تقلیب نمایند.

" از آن روز که بیدار و حاضر شد و قیام و همّت نمود، اگر
یک قدمی لله برداشت حق تبارک و تعالی به حقّ خودش هزار
فرسخ استقبال فرمود . و اگر نفسی به خضوع برآورد، ملکوت
تواضع ربّانی را زیارت نمود. و اگر به قدر خردل و حبه و ذره
و قطره ای نصرت نمود، افواج منصوریت و مظفریت و انوار
مؤیدیت و موفقیّت و امواج عنایت و رأفت، من جمیع جهات،
احاطه اش نمود که قلم از تقریر و وصفش عاجز و قاصر است،
بلکه عالم و امم و امکان و عالم ایجاد ولو هر قدر مشاعر و
مدارک و عقولشان ترقی نماید و صاف و لطیف و نورانی شود،
قابلیت آن عنایات را ندارند و استعداد ادراک کردن و
قدر دانستن نبوده و نیستند تا چه رسد به شکر نمودنش، تا چه
رسد به فانی دانی کلّیل جاهل. انه هو الشاکر الحمید. " (۱۱)

۲- " باشید و به عنایات و تأییدات جمال مبارک
که را نماید، را کند، را
..... کند و را فرماید.

۳- نمونه هائی از تأییدات الهی را در هنگام نشر نفاتح الله در
زندگی خود، بیان نمایید.

مراجع:

- ۱ - مکاتیب حضرت عبدالبهاء ، جلد سوم ص ۲۰۳
- ۲ - رساله راهنمای تبلیغ ، ص ۲۴
- ۳ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۳۷
- ۴ - سفرنامه مبارک جلد اول، ص ۳۳۸
- ۵ - رساله راهنمای تبلیغ ، ص ۴۴
- ۶ - سفرنامه امریک ، ص ۴۰۱
- ۷ - سفرنامه امریک ، ص ۴۰۱
- ۸ - سفرنامه جلد دوم ، ص ۲۶۰
- ۹ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۵۴
- ۱۰ - پیام ژانویه ۲۰۰۶
- ۱۱ - بهجت الصدور، ص ۱۵۹

۱۰- صفات و سجایای مبلّغین (تبلیغ به عمل)

۱ - ۱۰ حضرت بهاء الله در لوحی که به افتخار جوان روحانی از احبای درخش نازل شده، می فرماید:

" شرایط مبلّغین تقدیس و تنزیه است و همچنین توکل و انقطاع. طوبی لِمَنْ تَزَيَّنَ بِهِ طِرَازِ الْانْقِطَاعِ فِي تَبْلِيغِ اَمْرِ اللهِ مَالِكِ الْاِبْدَاعِ . طوبی از برای عبادی که خالصاً لوجه الله قصد بلاد نمایند لِاجْلِ تَبْلِيغِ اَمْرِ و انتشار آثار. لَعَمْرُ اللهِ اَرْضُ بِهِ قَدُومِ اَنْ نَفُوسِ افْتِخَارِ نَمَائِدُ " . (۱)

۲ - ۱۰ همچنین در لوح محمد قبل حسن می فرماید:

" از هر نفسی نارِ اَمَلِ و شهوت، ظاهر شود او از حق نبوده و نیست. باید مبلّغ به طراز انقطاع و تقوی و امانت و دیانت مزین باشد. این است امر حق از قبل و بعد طُوبی لِعَبْدِ مَا مَنَعَهُ الْهَوَى عَنْ مَوْلَى الْوَرَى. در کلمات مکنونه فرمودیم ای بظاهر آراسته و به باطن کاسته ... تأثیر کلمه از تقدیس نَفْسِ بوده و هست. " (۲)

۳ - ۱۰ و خطاب به بعضی احباء:

"... از این محزون نباشند که عالم نیستند و کسبِ علوم ظاهر ننموده اند. ملاحظه در زمانِ رسول نما که بعد از ظهور آن نَبِیِّ اَعْظَم، جمیعِ علما و اُدبا و حُکما از آن شریعه عرفانِ رحمن محروم ماندند و ابوذر، که راعی غَنَم بود به مجرد اقبالِ به غنیِّ متعال، بحورِ حکمت و بیان از قلب و لسانش جاری، حال جمیعِ علما را نزد ذکرش خاضع مشاهده می نمائی و حال آنکه در اوّل امر احدی به او اعتنا نداشته ... " (۳)

۴ - ۱۰ همچنین:

"... در عیسی بن مریم ملاحظه نما اصحابِ آن حضرت در اوّل ایام، از علومِ ظاهره مقدّس و مبرّاً بودند و همچنین اصحابِ خاتمِ انبیا روح ماسواه فداه در اوّل ظهور بسیاری از اهل سوق. یا حیدر قبل علی صیّادِ ماهی، صیّادِ عالم شد و عصای چوبی بر آسیافِ عالم زد. این کارها، کارِ استقامت و توکّل و تقدیس است...." (۴)

۵ - ۱۰ حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح:

"... تبلیغ به اعمال است به رفتار است، به خوش سلوکی است، به خوش رفتاری است، به تقدیس است، به مهربانیت، به تقوا است، به تنزیه است، به امانت است، به دیانت است و به گفتن. " (۵)

۶ - ۱۰ همچنین:

" فرمودند: دیدید چه آتشی به قلوب زدم. انسان باید اول خود مسرور و منجذب باشد تا بتواند دیگران را منقلب نماید. اول خود متأثر باشد بعد سائرین را متأثر سازد. شما کاری کنید که من مسرور باشم آن وقت می بینید چه می شود. " (۶)

۷ - ۱۰ و نیز:

" مبلّغ باید مدارا داشته باشد، جوهر تقدیس باشد، اطلاعات داشته باشد، خودش از تعالیم الهی متأثر شده باشد، علم و خبر داشته باشد، قلبش خزینه جواهر محبت الله باشد، روحش مهتر به نفحات الله باشد، جامع صفات انسانیت و الهیه باشد... " (۷)

۸ - ۱۰ ایضاً:

" شرط ثالث آنکه مبلغینی به اطراف مملکت بلکه به اطراف عالم سفر نمایند، ولی نظیر عبدالبهاء که در بلاد آمریکا سفر نمود و از هر آلودگی پاک و مقدس و در نهایت انقطاع. چنان که حضرت مسیح می فرماید: چون در شهری وارد شوید غبار آن شهر را نیز از نعلین خویش بی افشانید ... " (۸)

۹ - ۱۰ ایضاً:

"... باید نیت خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همت بلند و در محبت الله شعله افروخته باشد. اگر چنین گردد، نفس طاهرش در صخره تأثیر نماید و آلا هیچ ثمری ندارد. نفسی تا خود، کامل نگردد چگونه می تواند نقص دیگران را زائل نماید. تا خود منقطع الی الله نشود چگونه می تواند دیگران را منقطع کند ... " (۹)

۱۰ - ۱۰ همچنین:

"... اگر انسان عامل نباشد ابداً بیان او تأثیر ننماید. مثل آنست کسی مردم را دعوت به صلح نماید، ولی خود قتل نفس کند " . (۱۰)

۱۱ - ۱۰ و نیز:

" نفوسی که قوه ناطقه دارند اگر این قوه در آنها با تقدیس و انجذاب توأم شود، اثرات عظیمه از آنها ظاهر شود و به خدمات فائقه در آستان الهیه موفق گردند. " (۱۱)

۱۲ - ۱۰ همچنین در جواب انیس رودت که عرض کردند بهترین راه تبلیغ چیست؟ فرمودند:

" اولین قدم ایجاد طلب روحانیت در قلب است. بعد دارا شدن حیات بهائی . حیات بهائی به کسانی که به شما اطمینان دارند نهایت امانت و وفاداری ابراز دارید. هرگز جز طریق مهر و وفا نپویدید. با طرز حیات خود به جهانیان نشان بدهید که گوهری در دل و روحی غیر از دیگران دارید. کار را به جایی رسانید که همه بگویند این شخص چه دارد که ما نداریم . به عالمیان نشان دهید که در عین رنج و محنت و در بحبوحه فقر و تنگدستی و بیچارگی و ناخوشی چیزی در قلب دارید که تسلی روح شماست. به جمیع بفهمانید که شما را گنجی در دل است که در گرداب بلایا قلب را قوت و روان را

آرامی و اطمینان بخشوده و شما را مشعوف و پرنشاط ساخته قوی و مستحکم نگاه داشته و در برابر سختی و مصیبت راضی و خشنودتان می گرداند. وقتی چنین شد همه طالب می گردند که از آن گوهرِ ثمین و گنجِ روان دارا باشند. و چون حال بدین منوال گردید دیگر تبلیغ را زحمتی نیست. فقط باید به طالبین بگویید که این درّ گرانها چیست؟ " (۱۲)

۱۳ - ۱۰ و حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

" ... نهضت بهائی به یقینِ مبینِ احتیاج به نفوسِ تعلیم و تربیت یافته و فداکار دارد تا تعالیم الهی را با عمل و قلم خویش در سراسر عالم ترویج و منتشر سازند. " (۱۳)

۱۴ - ۱۰ و نیز می فرمایند:

" این محبت بین یاران ، به منزله مغناطیس تأیید است که بالاتر از هر امرِ دیگر قلوب را جلب کرده، افراد جدیدی را در ظلّ امرالله درخواهد آورد ... " (۱۴)

۱۵ - ۱۰ ایضاً:

" جهان محتاج وعظ و قانون نیست بلکه عشق و عمل می طلبد. " (۱۵)

۱۶ - ۱۰ ایضاً:

" این نفوسِ مبلّغین باید این ثیابِ قدیم را به کلی بیفکنند و قمیصِ جدیدی پوشند. چنانچه حضرت مسیح می فرماید تولّد ثانی یابند. یعنی همچنان که در دفعه اولی از رحمِ مادر تولّد یافتند، این دفعه از عالمِ طبیعت تولّد یابند. همچنان که از عالمِ رحم بی خبر ماندند از عالمِ طبیعت نیز بی خبر گردند. به ماء حیات و نار محبت الله و روح القدس تعمید گردند. به جزئی طعامی قناعت کنند و از مائده آسمانی تناول نمایند از هوی و هوس به کلی فراغت یابند... " (۱۶)

۱۷ - ۱۰ حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" حسن رویه و رفتار از لوازم اصلیه و شرائط ضروریه تبلیغ است و اگر چنانچه مبادی امریه و علوم نافعیه نیز تحصیل شود، نور علی نور گردد و امر تبلیغ را تسهیل و ترویج نماید .

آزمون ۱۰

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی که با (*) مشخص شده توضیح دهید.

صحیح غلط

* الف- کسب علوم ظاهره جهت توفیق در امر تبلیغ از واجبات است.

ب- سرور و انجذاب مبلّغ در تبلیغ نقشی ندارد.
* ج- در تبلیغ لازم است که به استعداد و قابلیت خویش توجه کنیم.

د- اگر انسان عامل نباشد، ابداً بیان او تأثیر ننماید.
ه- قوه ناطقه به تنهایی می تواند اثرات عظیمه در قلوب بگذارد.

۲- " نهضت بهائی به یقین مبین احتیاج به نفوس و دارد تا تعالیم الهی را با و خویش در سراسر عالم ترویج و منتظر سازند. "

۳- " اوّلین قدم ایجاد طلب در قلب است بعد دارا شدن "

ولی در رتبه اولی آنچه لازمه تبلیغ است شناسائی مظهر کلیه الهیه و اتّصاف به صفات مرضیه ممدوحه است. علوم اولین و آخرین حتّی تحصیل اصول امریه مبادی روحانیه عاقبت فائده و اثری نبخشد مگر آنکه منضم به این دو شرط اعظم گردد.... "

(۱۷)

۴- " این بین ، به منزله مغناطیس است که بالاتر از هر امر دیگر را جلب کرده. "

۵- حضرت بهاء الله چه خصوصیتی را برای مبلغ ذکر می فرمایند؟

۶- حضرت عبدالبهاء چه خصوصیتی را برای مبلغ ذکر می فرمایند؟

۷- نقش علوم در تبلیغ امر چیست؟

مراجع:

- ۱- مائده آسمانی، جلد ۴ ، ص ۴۸
- ۲- مائده آسمانی، جلد ۴، ص ۱۲۳
- ۳- اقتدارات ، ص ۱۶۴
- ۴- مجموعه الواح خطی حضرت بهاء الله، برگرفته از رساله راهنمای تبلیغ، ص ۸۰
- ۵- مائده آسمانی ص ۶۹۵، برگرفته از رساله راهنمای تبلیغ ص ۸۶
- ۶- سفرنامه آمریکا ، ص ۲۷۰
- ۷- رساله راهنمای تبلیغ، ص ۸۶
- ۸- مکاتیب عبدالبهاء ، جلد سوم ، ص ۳۱
- ۹- مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳ ، ص ۳۱
- ۱۰- بدائع الآثار ، جلد ۲ ، ص ۲۷۰
- ۱۱- بدایع الآثار، ج ۲، ص ۱۲۲
- ۱۲- کتاب جوانان، ص ۱۶۲
- ۱۳- کتاب جوانان، ص ۱۶۱
- ۱۴- کتاب جوانان، ص ۱۶۴
- ۱۵- کتاب جوانان، ص ۱۶۴
- ۱۶- مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۵۶
- ۱۷- رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۰۲

۱۱ - اثرات و نتایج تبلیغ

۱ - ۱۱ حضرت بهاء الله می فرمایند:

"... ثمر هر نفسی اثر اوست، نفس بی اثر مثل شجر بی ثمر در منظر اکبر مذکور. لله ناطق شوید و لله تبلیغ امر نمائید به اعراض و اقبال ناظر نباشید بلکه ناظر به خدمتی که به آن مأمورید ... " (۱)

۲ - ۱۱ همچنین:

"... اگر نفسی الیوم سبب هدایت شود، اجر شهید فی سبیل الله در نامه عمل او از قلم امر ثبت خواهد شد. این است فضل پروردگار تو درباره عباد مبّغین. " (۲)

۳ - ۱۱ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"... تا حیوة باقی است تعجیل نمائید و تا بهار را خزان در بر نگرفته و شفا را بیماری غالب نشده قیام نمائید. در این

یوم هدایتِ نفوس به صراطِ مستقیم، مغناطیسِ تائید الهیست. نفوسی که خود را وقفِ این امر نمایند در صونِ حفظِ الهی هستند. هر که در این یوم یک کلمه حقیقت نطق نماید آن کلمه لازال در تَمَوُّج و حرکت خواهد بود و هرگز معدوم نخواهد شد. " (۳)

۴ - ۱۱ و نیز:

"... هر کس در این میدان قدم گذاشت موفق شد ... هم خود هدایت گردید هم سبب هدایت دیگران شد. البته وقتی انسان نغمه خوشی می خواند اول خود متلذذ و محظوظ می شود. لهذا چون بنای هدایت ناس نهد و بیان دلائل کند، مذاقش شیرین تر و قلبش مسرورتر شود... " (۴)

۵ - ۱۱ همچنین:

"... هر بنیانی عاقبت ویران گردد و هر بنیادی بر افتد، مگر اساسِ متینِ هدایتِ کبری که الی الأبد متمادياً اتّسع یابد و متانت جوید. اگر نفسِ مبارکی سببِ هدایتِ شخصی شود آن شخص نیز به نشر نفحات پردازد، نفوسِ دیگر را بیدار کند و آن

نفوسِ دیگر، جمعی را به شاطی موهبتِ کبری رسانند. پس این موهبت تسلسل یابد و الی الابد تزايد نماید تا به درجه ای رسد که یک نفس منجر به ملتی کبری و امتی عظمی و هدایتی عام گردد و این دانه خرمن ها تشکیل نماید...."

"... اگر نفوسِ مبارکه به تمام قوت بر نشرِ نفحاتِ الله قیام نمایند، اندک زمانی نمی گذرد که بنیانِ جنگ برافتد و بنیادِ بغض و عدوان به کلی معدوم و مهذوم شود. بهارِ روحانی آید و نغماتِ رحمانی وزد. حرارتِ شمسِ حقیقت چنان نافذ شود و احاطه کند که جمیع برودت و خمودت و کسالت از کون زائل گردد." (۵)

۶ - ۱۱ ایضاً:

"... در هر امری استعداد خود را صرف کنید نتایج، محدود است مگر در امر الهی و خدمت به وحدت عالم انسانی و انتشارِ کمالاتِ روحانی که نتایج آن غیر محدود است. هر انسانی که در سبیل الهی جانفشانی نماید چون شمع در انجمنِ عالم بدرخشد. ملاحظه کنید که حواریون مسیح با آنکه

از عوام بودند چون استعداد خود را در امر الهی صرف کردند، چگونه از افق عزتِ ابدی می درخشند. هنوز آثارشان سببِ الفت و محبتِ قلوب است و انوارشان در نهایتِ سطوع، ذکرِ عظمتشان در هر کوری تجدید می شود و در هر عالمی سببِ انبساطِ اهلِ توحید. مریمِ مجدلیه که چنین کلیسای مهمی در پاریس به اسم او ساخته اند زنی دهاتی بود، چون استعدادِ خود را در امرِ حضرت مسیح صرف نمود ببینید چه آثاری از او مشهود است. پس بکوشید تا استعداد خود را فدای امرالله نمائید." (۶)

۷ - ۱۱ ایضاً:

" هر چیزی محدود است مگر فیض الهی که به سبب تبلیغ امرالله بر انسان نازل می شود... " (۷)

۸ - ۱۱ ایضاً:

"... زمین، خاکِ سیاه است، چون فیضِ ابرِ بهاری ببارد آن خاکِ سیاه به اهتزاز آید و گلهای رنگارنگ برویاند. یعنی نفوسِ انسانی چون از عالمِ طبیعت است مانند خاکِ سیاه است، چون

فیضِ آسمانی برسد و تجلیاتِ نورانی هویدا گردد به اهتزاز و حرکت آید و از ظلماتِ طبیعتِ رهائی یابد و گلهای اسرار الهی برویاند. " (۸)

۹ - ۱۱ همچنین:

" ... وقتی جمال بروجردی به عکا آمد، دیدم افکارش پراکنده است. به او گفتم: " از طهران تا اینجا هیچ کس را تبلیغ کرده ای؟ " گفت: " نه، پیش نیامد. " او را نصیحت کردم که از برای تو امروز تبلیغ امرالله الزمست. این برای تو مفید است واقعاً چقدر جاه طلبی، انسان را ذلیل می کند بالعکس محویت و فنا. او همه چیز می طلبید، هیچ نیافت بر عکس آقا میرزا حیدر علی هیچ نمی خواست، همه چیز را یافت روز به روز هر چه او خواست و نیافت این نخواستته یافت. او صحو بود محو شد این محو بود صحو گردید. " (۹)

۱۰ - ۱۱ ایضاً:

" اگر تبلیغ تأخیر افتد، تأیید به کلی منقطع گردد، زیرا مستحیل و محال است که بدون تبلیغ، احبای الهی تأیید یابند. در

هر صورت باید تبلیغ نمود ولی به حکمت. اگر چهاراً ممکن نه خفياً به تربیت نفوس پردازند و سبب حصول روح و ریحان در عالم انسانی شوند. " (۱۰)

۱۱ - ۱۱ ایضاً:

" ... قسم به روی و خوی بها که ایامی که در غیر نشرِ نفعات الله بگذرد، ليله یلدا است و ظلمت دهماء ... " (۱۱)

۱۲ - ۱۱ ایضاً:

" ... اگر نفسی به جان و دل در نهایت همّت کمر بر تبلیغ امرالله نبندد، البته از تأیید ملکوت ابهی محروم ماند ... " (۱۲)

۱۳ - ۱۱ ایضاً:

" ... ملاحظه نمائید که بعضی از نفوس، محافظتِ خویش نمودند و از بیگانه و خویش مکتوم داشتند، لسان به تبلیغ نگشودند، عاقبت بی ثمر و اثر ماندند؛ ولی نفوس دیگر در راه حق جانفشانی نمودند و به هدایتِ خلق لب گشودند و به

آزمون ۱۱

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی که با (*) مشخص شده توضیح دهید.

صحیح غلط

* الف- مبلغ به اعراض و اقبال نفوس ناظر نیست چه که به
 خاطر حق تبلیغ می نماید.

ب- اگر نفسی سبب هدایت شود، اجر شهید فی سبیل الله دارد.

ج- نتایج خدمت محدود است.

* د- تبلیغ موجب هدایت خودمان نیز می شود.

۲- چگونه هدایت یک نفس موجب هدایت ملّتی می گردد؟

۳- چگونه می توان با تبلیغ بنیان جنگ را برانداخت؟

* ۴- " اگر تبلیغ افتد، به کلّی گردد. زیرا و است که بدون تبلیغ احبّای الهی یابند.

۵- می فرمایند: " در حال حاضر زندگی کردن برای تبلیغ مانند شهادت در ایام اولیه امر است. " چگونه می توانیم برای تبلیغ زندگی کنیم؟

وصایای الهی عمل نمودند آن نفوس در افق تقدیس مانند ستاره صبحگاهی رخشنده و تابانند. " (۱۳)

۱۴- ۱۱ و نیز :

" در حال حاضر زندگی کردن برای تبلیغ مانند شهادت در ایام اولیّه امر است. " (۱۴)

۱۵- ۱۱ در پایان این بخش به درج قسمتی از پیام بیت العدل اعظم می پردازیم تا یقین نمائیم که وصول به نتایج و اثرات یاد شده در تبلیغ امرالله حتمی القوع و وعده محتوم الهی است:

" در آثار مبارکه اهل بهاء را مکرّر به وعده محتوم " یدخلون فی دین الله افواجا " ، مژده داده اند. دیر یا زود این بشارت تحقق خواهد یافت. از جمله در کشور مقدس ایران، یقیناً وقتی خواهد آمد که ناگهان جامعه اهل بهاء با جم غفیری از طالبان حقیقت روبرو خواهد شد که باید هر یک آماده مقابله با چنین وضع خطیر و مبارکی باشند و ملجاء و پناهی برای مؤمنان نو رسیده تدارک کرده باشند تا بتوانند بلافاصله نهال ایمان آنها را آبیاری کنند و به ثمر رسانند. "

مراجع:

- ۱ - اقتدارات، ص ۱۰۴
- ۲ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۵
- ۳ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۹
- ۴ - سفرنامه مبارک، جلد اول، ص ۳۳۸
- ۵ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۲۵ و ۳۱
- ۶ - اخلاق بهائی، ص ۱۳۷
- ۷ - امر و خلق، جلد ۳، ص ۴۹۴
- ۸ - مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۱
- ۹ - سفرنامه مبارک، جلد ۱، ص ۱۴۰
- ۱۰ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۴
- ۱۱ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۲۴
- ۱۲ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۲۶
- ۱۳ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۳۳
- ۱۴ - نمونه حیات بهائی ص ۱۱، برگرفته از گلزار تعالیم بهائی
ص ۱۰۳
- ۱۵ - پیام ۱۰ جولای ۲۰۰۲

۱۲ - مقام ناشرین نفعات الله

- ۱ - ۱۲ حضرت بهاء الله می فرمایند:
" امروز اوّل شخص در این نباء عظیم مبلّغ فصیح و بلیغ
است و مقرب درگاه ربّ عزیز. حضرات مبلّغین نفوسی محترمه
اند و سزاوار خدمت و رعایت در جمیع مراتب " . (۱)
- ۲ - ۱۲ همچنین:
" امروز خادم امر الهی و مبلّغ آیاتش از اعلیٰ الخلق در
کتاب مذکور. " (۲)
- ۳ - ۱۲ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:
" جمال مبارک در ایّام حیات، هرگاه اراده داشتند که فضل
و رأفتِ مخصوصی نسبت به یکی از احبّاب ابراز فرمایند، او را
تشویق بر تبلیغ امرالله و نشر نفعات الله می فرمودند ... نفوسی
که حیات خود را وقف انتشار امرالله و تبشیر نفوس به
ملکوت الله می نمودند، مورد عنایات نامحدود جمال معبود

گشته و هر وقت اسم آنها در محضر انور برده می شد چهره مبارک متبسم و شادمان شده... " (۳)

۴ - ۱۲ همچنین:

" ... مبلّغین را همیشه اسرافیل خدا می نامیدند که در صور دمیده مردگانِ مَرَّاقِدِ غفلت و بیچارگی را به قوه کلمة الله به حیات ابدی وارد می سازند ... " (۴)

۵ - ۱۲ ایضاً:

" ای احبای الهی الیوم هر نفسِ مبلّغی مؤید است و مبلّغین صفِ اوّلِ مُقَرَّبِ درگاه کبریا و مستمّد از ملکوت ابهی. لهذا باید احبای الهی نهایتِ محبت و احترام و رعایت را در حقّ مبلّغین مجری دارند و در هر جا وارد گردند، سرور و حبور حصول یابد. " (۵)

۶ - ۱۲ ایضاً:

" عنقریب ملاحظه نمائی که انوار عزّت قدیمه از جبینِ مبلّغین طالع و شعاعِ موهبتِ الهیه از افقِ مروّجین، ساطع .

پس تا توانی زبان به ذکرِ ظهورِ اسمِ اعظمِ بگشا. ناس را به ظلّ جمال قدم بکش. تشنگان را عذب فرات شو. گمگشتگان را راه نجات ... " (۶)

آزمون ۱۲

مراجع:

- ۱ - مائده آسمانی، جلد چهارم، ص ۳۵۴
- ۲ - مائده آسمانی، جلد چهارم، ص ۴۸
- ۳ - بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء، رساله راهنمای تبلیغ ص ۱۱۹
- ۴ - بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء، رساله راهنمای تبلیغ ص ۱۲۰
- ۵ - مائده آسمانی، جلد ۵، ص ۲۸۸
- ۶ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۳۲

۱- حضرت بهاء الله می فرمایند: امروز اول شخص در این نباء عظیم و است و مقرب درگاه ربّ عزیز . حضرات مبلغین نفوسی محترم اند و سزاوار و در جمیع مراتب.

۲- مبلغین را همیشه می نامیدند که در دمیده مردگان مراقب و را به قوه به وارد می سازند.

۳- اگر نفسی الیوم شود اجر در نامه عمل او از قلم امر ثبت خواهد شد.

۴- به نظر شما چرا مبلغین امر از چنین مقام والایی برخوردارند؟

۱۳- رعایت حکمت (معنی و مفهوم)

۱ - ۱۳ حضرت بهاء الله درباره یکی از مفاهیم حکمت چنین می فرمایند:

" بعضی از صراطِ مستقیمِ حکمت که اُسِّ اساسِ مدنیّتِ الهیه است، انحراف جسته اند. مثلاً رضیع را به جای لَبَنِ لَحْمِ می دهند و مریض را به جای تریاق، زهر. بگو ای متوجّهانِ افقِ هدایت، شما اَطْبَایِ معنوی و حُکمایِ حقیقی هستید. باید به مقتضای اوقات و ایام و نفوس ناظر باشید. نفسی که از ذکر ولایت مضطرب می شود چگونه قابل حملِ ذکر الوهیت است. نفوسی که خود را از اقویا و علمای اهل بیان می دانستند از ذکر الوهیت منزعق گشتند تا چه رسد به نفوسی که در کور فرقان تربیت شده اند و در دست علمای اوهام قرنهای مبتلا بوده اند ... این بس واضح است که هر نفسی طالبِ عرفان حق بوده و خواهد بود و سبب اعراض و اعتراض و غفلت و جهالت، اوهامی بوده که از قبل به آن تربیت یافته اند و خرقِ این اوهام، بسیار مشکل است مگر به تدابیرِ آنفسِ مقدسه کامله. رحمتِ حق

سبقت داشته چنانچه مشاهده می شود. ذات مقدّسش در کمالِ رأفت و رحمت و شفقت با عباد سلوک می فرماید کل باید بر اثر قدم او مشی نمایند و به قدر طلب، ذکر مطلوب کنند و به مقدار عطش، صافیِ کوثرِ عرفان را مبدول دارند. اَنَا خَلَقْنَا النُّفُوسَ اطواراً ... " (۱)

۲ - ۱۳ همچنین می فرمایند:

" ... اگر نفسی الیوم به اعلی النداء ناس را به هتکِ حجباتِ موهومه امر نماید چنین نفسی لدی الله از مبلّغین محسوب نه چه که خارج از حکمت عمل نموده. چه نفسی اگر سالها در امری باشد و به آن تربیت یافته یک مرتبه نمی توان او را منع نمود، بلکه باید به تدریج به کمال شفقت و رحمت از لسان قوم بیاناتی نمود تا او در ضمن بیانات و حکایات به افق امر فائز شود و حجبات موهومه را خرق نماید ... " (۲)

۳ - ۱۳ و نیز:

" اگر نفسی که به عنایت الهی فائز شده و ذکرش در الواح از قلم اعلی نازل گشته از او خلاف حکمتی ظاهر شود، متابعت او

جائز نبوده و نیست و لکن باید در حَقّش جز به کلمه خیر تکلم نمایند تا دو ضرر واقع نشود ... " (۳)

۴ - ۱۳ و نیز:

" ... حکمت، اعمال و افعالی است که سبب آگاهی غافل های عالم است و همچنین تقرب ایشان است به حزب الله. عباد بیچاره را ارباب عمائم به اوهام تربیت نموده اند. باید حکمای ارض به کمال رأفت و محبت عباد را به شریعت الله و مشرق عنایتش دعوت نمایند. انتهی " (۴)

۵ - ۱۳ ایضاً در لوح اتحاد مندرج است:

" بعضی از دوستان الهی حکمت را ملاحظه ننموده اند و از مقامش غافل شده و سبب گشتند در بعضی از بلاد ضوضاء مرتفع شد. بشنوید ندای مظلوم را و به آنچه در الواح نازل شده عامل شوید. تا سمع نیابید لب نگشائید و تا ارض طیبه مبارکه مشاهده نکنید بذر حکمت را ودیعه نگذارید. القاء کلمه الهی وقتی است که سمع و بصر مستعد باشند و همچنین ارض. بعضی در بعضی از آحیان تکلم نمودند به آنچه که ضررش به

اصل سدره راجع است. قُلْ يَا قَوْمِ خَافُوا اللَّهَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ. اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْجَاهِلِينَ. اَرْضِ جُرُزٍ لَا يَلِيقُ انبَاتٍ نَهٍ وَ سَمِعِ شَرِكٍ لَا يَلِيقُ اصْغَاءِ كَلِمَةٍ تَوْحِيدٍ نَهٍ. " (۵)

۶ - ۱۳ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" در فکر تبلیغ نفوس مهمه باشید، حال عظمت امر ارکان عالم را گرفته است. اکثر نفوس، باطناً مایلند که اطلاع یابند ولی خوف از شهرت دارند، زیرا یاران به مجرد اینکه نفسی اقبال نماید با کوس و کرنا اعلان نمایند. نفوس مهمه چون نظرگاه عمومند خوف و خطر دارند و فی الحقیقه به اندازه ای حق دارند زیرا زود معترض آنان گردند و لابد با جمعی از مردم مشکلات و معضلات دارند، آنان بهانه نمایند و قضیه ایمان نفوس مهمه را وسیله غلبه بر ایشان کنند. باری تا توانید چنین نفوس را محرمانه هدایت کنید و او را سفارش تام بر کتمان نمائید همچنین پیش نفسی ذکر او ننمائید. " (۶)

۷ - ۱۳ همچنین:

" و آنچه در الواح الهی ذکر حکمت است، مقصود این است که در امور، اتقان شود و در هر امری به وسائط کامله و

مناسبِ زمان و مکان تشبث شود تا مریض، معالجه به قاعده گردد و علیل، مداوا به نوع موافق، نه اینکه به کلی از معالجه و مداوا دست کشیده شود. هیکلِ امکان مریض است و جسمِ کیهان علیل، اگر طبیب و پرستار به کلی ترکِ علاج و دوا نماید، به کلی مهمل و معطل گردد، بلکه به مرضِ موت مبتلا شود... (۷)

۸ - ۱۳ و نیز:

" در الواح الهی ذکر حکمت گشته و بیان مراعاتِ مقتضیاتِ مکان و وقت شده مراد، سکونِ روحی و شئونِ عنصری نبوده، بلکه مرادِ الهی این بوده که شمع در جمع برافروزد نه در صحرای بی نفع. ماء فیض الهی بر ارضِ طیبه نازل گردد نه ارضِ جُرْزه، وَاَلَّا خَامُوشِ شَمْعِ رَا حَکْمَتِ نَتَوَانَ گفتم و پریشانی جمع را علامتِ وحدت نتوان شمرد. افسردگی و مردگی حیات و زندگی تعبیر نشود و ناتوانی و درماندگی، هوشمندی و زیرکی نگردد". (۸)

۹ - ۱۳ ایضاً:

" انسان عاقل در جمیع اوقات، نفوس را یک طعام

نمی دهد، لابد هر روز طعامی جدید می دهد. اگر یک طعام بدهد ملال حاصل می شود، سیر می شود، هر روز یک میوه تازه تقدیم می کند طبیب هر روز دوی جدید می دهد، نمی شود یک دوا بدهد ". (۹)

۱۰ - ۱۳ ایضاً:

" ... حکمت این است که به مدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربانی تبلیغ نماید، نه اینکه به صمت و سکوت پردازد و به کلی فراموش نماید. خلاصه احبای الهی را فرداً فرداً به تبلیغ امرالله تشویق نمائید که حکمت مذکوره در کتاب، نفس تبلیغ است..." (۱۰)

۱۱ - ۱۳ ایضاً:

" دیگر آنکه احبای الهی باید (اسامی) نفوس مهمه ای که اظهار حمایت می نمایند (را) مخفی و مستور بدارند. هر نفسی که داند، به دیگری ابدأ ابراز ندارد. مثلاً امروز یکی از بزرگان با آن جناب ملاقاتی نمود و جستجوئی کرد، شما ابدأ نباید به

دیگری ابراز دارید ... زیرا نفسِ شهرت، سببِ فرار او گردد. چرا می ترسد که در معرضِ امتحان و افتتان افتد. " (۱۱)

۱۲ - ۱۳ و بیت العدل اعظم در ارتباط با اطاعت از حکومت و تبلیغ امرالله می فرمایند:

" با وجود داشتنِ حقّ تبلیغ ، فرد بهائی البتّه باید حکمت را رعایت نماید، به خصوص اگر در تحتِ سلطهٔ حکومتی که با امر مبارک مخالفتِ علنی دارد به سر می برد ... رعایت حکمت نه تنها برای حفظ و حراستِ متحرّیانِ حقیقت است که در غیر اینصورت احتمالاً به خاطر ارتباط خود با بهائیان، در معرض حمله و اعتراضِ مخالفین قرار خواهند گرفت، بلکه همچنین نشان می دهد که چطور احبّاء می توانند هم از حقّ تبلیغ برخوردار باشند و هم رعایتِ اولیای امور و شرایطِ محیطِ نامساعدِ خویش را نمایند و بی جهت موجب تحریکِ بلوای عمومی نگردند. " (۱۲)

آزمون ۱۳

۱- به فرمودهٔ حضرت بهاء الله بعضی از صراط مستقیم حکمت انحراف بسته اند. چه مواردی در بیان مبارک به عنوان بی حکمتی ذکر شده است؟

۲- چرا الیوم نمی توان نفوس را به اعلی النداء به هتک حجاب موهومه امر نمود؟

*۳- " حکمت و است که سبب است و همچنین ایشان است به "

۴- ارتباط بیان مبارک " ارض جرز لایق انبات نه و سمع شرک لایق اصغاء کلمه توحید نه " را با حکمت توضیح دهید.

۵- چرا باید نفوس مهمه را محرمانه هدایت نمود؟

۶- " بلکه مراد الهی این بوده که شمع در برافروزد نه در
..... . ماء فیض الهی بر ارض نازل گردد نه ارض
..... ، وَاَلَّا شمع را حکمت نتوان گفت و را
علامت وحدت نتوان شمرد. "

۷- " حکمت این است که به الهی و و و
..... و و و تبلیغ نماید نه
اینکه به و پردازد و به کلی نماید. "

۸- با توجه به فرمودهٔ بیت العدل اعظم الهی، رعایت حکمت در کشور
مقدس ایران در زمان حاضر به چه منظور صورت می گیرد و چگونه
باید باشد؟

مراجع:

- ۱ - مائده آسمانی، جلد ۸، ص ۱۲۳ - ۱۲۴
- ۲ - مائده آسمانی، جلد ۸، ص ۹۸
- ۳ - مائده آسمانی، جلد ۸، ص ۱۶۴
- ۴ - گنجینه حدود و احکام، ص ۲۶۰
- ۵ - ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۸۵ - ۳۸۶
- ۶ - مائده آسمانی، ص ۶۰۹
- ۷ - مکاتیب عبدالبهاء جلد اول، ص ۴۷۲
- ۸ - رسالهٔ راهنمای تبلیغ، ص ۹۵
- ۹ - رسالهٔ راهنمای تبلیغ، ص ۱۴۸
- ۱۰ - گنجینه حدود و احکام، ص ۲۶۱
- ۱۱ - امر و خلق جلد ۳، ص ۴۹۷
- ۱۲ - پیام ۲۸ فوریه ۲۰۰۵

آزمون ۱۴

۱- وقت محدود روزانه ما باید صرف چه اموری شود؟

۱۴- اَرَجِحِّتْ هَا و اُولَوِّتْ هَا

بیت العدل اعظم می فرمایند:

"دوستان عزیز باید متوجه باشند که وقت محدود روزانه خود را چگونه صرف می کنند و به این فکر باشند که عادات و انضباطی در خود به وجود آورند تا با تعیین اَرَجِحِّتْ های لازم، هم از یک سو به مسئولیت های حیاتی زندگی خود برسند و هم از سوی دیگر وقت و انرژی کافی برای تبلیغ انفرادی داشته باشند ... و یا از کارهای متفرقه و فعالیت های غیر ضروری زندگی و حتی بعضی از فعالیت های مهم امری و غیر امری که می توان انجام آنها را فعلاً به تعویق انداخت بکاهد، تا بتواند وقت موجود خود را صرف خدمات تبلیغی نماید."

۲- کدامیک از فعالیت های ذیل می تواند در راستای تبلیغ انفرادی قرار گیرد؟

- مطالعه رمان در منزل
- ثبت نام در باشگاه ورزشی
- تماشای تلویزیون در منزل
- شرکت در میهمانی افراد غیر بهائی
- عضویت در گروه موسیقی شهر
- سر زدن به دوستان قدیمی غیر بهائی
- شرکت در میهمانی قرض الحسنه با احبای الهی
- ثبت نام در کلاس تئاتر
- تهیه برنامه برای احتفال جوانان بهائی
- بازی با کامپیوتر در منزل

* ۳- طرح اولیه برنامه ریزی جدید روزانه یا هفتگی خود را بنویسید.

مرجع:

پیام ۷ جون ۲۰۰۷

۱۵- احساس ضعف و عدم لیاقت و قابلیت

۱ - ۱۵ حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از احباء می فرمایند:
" آرزوی قوه تبلیغ می نمایی. این آرزو نهایت آمال
مخلصین است. البته انسان کامل، تمنای اعظم امور در عالم
وجود می نماید و امروز کوکب روز افروز، تبلیغ امرالله است.
هر نفسی مؤید، آن مقرب درگاه کبریاء. لهذا نظر به استعداد و
قابلیت خود منما بلکه در وقت تبلیغ توجه به ملکوت ابهی نما
و تأییدات الهی طلب و به کمال اطمینان و قوت، زبان بگشا و
آنچه بر قلب القاء می شود بگو از اعتراض و معانده اهل عناد
ملول مشو فتور میاور. هر چه آنان بیشتر اعتراض نمایند تو
محکم تر جواب بده. " (۱)

۲ - ۱۵ حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:
" ... کل از وضع و شریف و قدیم و جدید و پیر و جوان
قابلیت و توانائی پیمودن این سبیل را داشته و دارند، پس عذری
از برای احدی نمانده الخ " (۲)

۳ - ۱۵ همچنین:

"... شاید علتِ عدمِ موفقیتتان در میدانِ تبلیغ همان است که بیشتر ناظر به ضعف و عدم لیاقت خود برای اعلاء کلمه الله می باشید. حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء کراراً تأکید فرموده اند که نظر به عجز خود ننموده بلکه چون توکل و اعتمادمان را به خدا واگذاریم، به محض اینکه قیام نمودیم و واسطه فعال فیض و نزول رحمت الهی گشتیم عون و عنایت حق شامل حال می گردد." (۳)

۴ - ۱۵ و بیت العدل اعظم:

".... بیاناتِ گهربار حضرت ربّ اعلی نازل در حین وداع با حروف حی را با روح و ریحان تلاوت کنید که می فرمایند: ای یاران عزیز من، شما در این ایام حاملِ پیام الهی هستید خداوند شما را برای مخزنِ اسرارِ خویش انتخاب فرمود تا امر الهی را ابلاغ نمایید... شما چشمه های آب حیاتید که از منبع ظهور الهی جاری گشته اید به ضعف و عجز خود نظر نکنید. به قدرت و عظمت خداوند مقتدر و توانای خود ناظر باشید ... به

نام خداوند قیام کنید. به خداوند توکل نمایید و به او توجه کنید و یقین داشته باشید که بالاخره فتح و فیروزی با شما خواهد بود." (۴)

۵ - ۱۵ و همچنین:

" شایسته نیست که زیاده روی در انتقاد از خود یا هر نوع احساسِ عدمِ لیاقت و توانایی و تجربه، مانع قیام و اقدام شود، یا آن عزیزان را دچار ترس و واهمه نمایند. نگرانی خود را با توجه به اطمینانی که حضرت بهاء الله عنایت فرموده اند برطرف سازید. مگر نه آنکه حضرت بهاء الله تأکید فرموده اند که: " مَنْ يَفْتَحِ الْيَوْمَ شَفْتَاهُ فِي ذِكْرِ سَمِ رَبِّهِ لَيَنْزِلُ عَلَيْهِ جُنُودُ الْوَحْيِ عَنْ مَشْرِقِ اسْمِي الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ وَيَنْزِلَنَّ عَلَيْهِ أَهْلٌ مَلَأَ الْأَعْلَى بِصَحَائِفَ مِنَ النَّوْرِ؟ " پس قدم به میدانی نهید که حضرت بهاء الله موکداً همه یارانش را به آن دعوت نموده و مشمول الطاف و تأییدات خود فرموده و آن میدان تبلیغ امرالله است که جمال قدم آن را " افضل اعمال " توصیف فرموده اند." (۵)

" دربارهٔ احساسِ عدمِ لیاقت که بعضی اوقات مانع از قیام و اقدامِ افراد می شود، در یکی از توقیعاتِ مبارکهٔ حضرت ولیّ امرالله توصیه شده است " که علّت عمده ای را که متذکّر شدید عدم جرأت و ابتکار از طرف افراد و احساسِ حقارت است که مانع می گردد که با مردم مذاکره نمایند. دقیقاً همین نقاط ضعف است که یاران باید بر آنها فائق آیند. زیرا چنین احساسی نه تنها آنان را از اقدام باز می دارد، بلکه فی الواقع موجب می شود که شعلهٔ ایمان در قلوبشان خاموش شود. فقط هنگامی که کلیّهٔ احبّای الهی درک نمایند که هر یک از آنان قادر است در حدّ توانائی خود پیام الهی را ابلاغ نماید، می توانند امیدوار باشند که به هدفی که مولای علیم و مهربان برایشان تعیین نموده است، نائل گردند ... هر فرد بهائی بالقوهٔ مبلغ امرالله است. فقط کافی است آنچه را خداوند به او عطا نموده به کار بَرَد و بدین ترتیب ثابت نماید که به رسالت خود وفادار است. "

(۶)

آزمون ۱۵

۱- صحیح یا غلط بودن جملات ذیل را مشخص نموده و در مواردی که با (*) مشخص شده توضیح دهید.

صحیح غلط

- الف- مبلغ باید به استعداد و قابلیت خود ناظر باشد.
- ب- افراد پیر یا فقیر توانایی پیمودن مسیر تبلیغ را ندارند.
- ج- مبلغ باید به قدرت و عظمت خدای خود ناظر باشد.
- * د- عدم جرأت و ابتکار و احساس حقارت شعلهٔ ایمان را خاموش می کند.

۲- چگونه هر فرد بهائی بالقوه مبلغ امرالله است؟

۳- چگونه می توان به احساس ضعف و عدم لیاقت فائق آمد؟

۱۶- استفاده از تجربیات و مهارت‌ها و

ابتکارات شخصی

- ۱- ۱۶ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:
" در تبلیغ امرالله از یکدیگر استفاضه جوئید، تا بدانید چگونه باید تبلیغ کنید و به هدایتِ نفوس پردازید. " (۱)
- ۲- ۱۶ بیت العدل اعظم:
" از مراوداتِ روحانیه خود با مولای مقتدر، الهام گرفته پیش روید و منتظر تشویقِ دیگران نباشید. از موفقیت های خود با دیگران صحبت نکنید، مگر عده قلیلی که با هم در این زمینه همکاری می کنید. " (۲)

۳- ۱۶ و نیز:

- " با پیشرفت در دروسِ مؤسسۀ آموزشی، افراد نه تنها بر عمقِ معلوماتِ امری خود می افزایند، بلکه بینش و مهارت های

مراجع:

- ۱- امر و خلق، جلد ۳، ص ۴۸۱ - ۴۸۲
- ۲- مائده آسمانی، جلد ۳، ص ۶۱
- ۳- رسالۀ راهنمای تبلیغ، ص ۵۴
- ۴- پیام ۷ اکتبر ۲۰۰۵
- ۵- پیام رضوان ۱۵۲ بدیع
- ۶- پیام رضوان ۱۵۳ بدیع

آزمون ۱۶

۱- " در تبلیغ امرالله از یکدیگر استفاضه جوئید. " یعنی چه؟ چگونه می توان این کار را انجام داد؟

۲- به نظر شما چرا نباید از موفقیت های خود جز با عدهٔ خیلی از همکاران صحبت کنیم؟

۳- چگونه می توانیم بینش و مهارت های لازم را برای تبلیغ کسب نمائیم؟

لازم برای خدمت را نیز کسب می کنند. بعضی از دروسِ مخصوصِ تبلیغ، بیشتر به جنبه های کلی تبلیغ می پردازند. برخی دیگر با توجه و استفاده از تجربه های تبلیغی احباء، انواع طُرُق را که می توان به وسیله آن پیام حضرت بهاء الله را به سطوح و طبقات مختلف اجتماع ارائه داد، مطرح می کنند. جریان آمیختن قیام عملی به تبلیغ و فراگیری و کارآموزی باعث می شود که جوامع بهائی، مستمراً از موهبت وجود مبلغان کارآمد و شائق، بیش از پیش برخوردار شوند. بدیهی است که کارآموزی به خودی خود الزاماً تحرکی خاص در فعالیت تبلیغی به وجود نمی آورد. در همه رشته های خدمت، احباء به تشویق مداوم نیازمندند. " (۳)

مراجع:

۱ - سفرنامه آمریکا، ص ۴۰۱

۲ - پیام ۷ اکتبر ۲۰۰۵

۳ - پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱

۱۷- ابلاغ به عامه مردم

۱ - ۱۷ حضرت بهاء الله می فرمایند:

" ای اهل بهاء لثالی آگاهی را از غیر خود منع ننمائید. به حکمت و بیان این درر ثمینه را بر ابصارِ خلق عرضه دارید شاید بصری یافت شود و به منظر اکبر توجه نماید. الامرُ بیداللهِ ربِّ العالمین " (۱)

۲ - ۱۷ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ای یاران الهی به کمال نشاط و انبساط، عالم انسانی را خدمت نمایند و به نوع بشر محبت نمایند، نظر به حدودی نکنید و ممنوع به قیودی نشوید ... " (۲)

۳ - ۱۷ و حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" این چه فرصت مبارکی است. باید اقدام نمود و باب معاشرت و مراوده را با تمام ملل و نحل باز کرد. ایام گوشه نشینی و سکوت و خموشی گذشته، باید از زاویه خمول

در آئیم و در میدان وسیع قدم گذاریم. " (۳)

آزمون ۱۷

۱- " این چه است. باید نمود و باب و را با ملل و نحل باز کرد. ایام و گذشته، باید از در آئیم و در میدان وسیع قدم گذاریم. "

۲- چرا مؤمنین باید به نفوسی نیز که به نظر مستعد نمی آیند، ابلاغ کلمه نمایند؟

۴ - ۱۷ و نیز می فرمایند:

" مؤمنین بایستی امر را به جمیع حَتّی به آنان که به نظر، مستعد نمی یابند ابلاغ کنند، زیرا مِقیاسِ حقیقیِ نفوذِ کلمه الله را در افکار و قلوبِ نفوس نمی توانند قضاوت نمایند. بایستی ابلاغ کلمه کنند، حتی به آنان که به صورتِ ظاهر فاقدِ هرگونه قوه قبولِ تعالیم می باشند. " (۴)

مراجع:

- ۱ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۳
- ۲ - مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۴، ص ۱۳۳
- ۳ - مائده آسمانی، جلد ۳، ص ۶۰ - ۶۱
- ۴ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۵۳

۱۸ - میزان استعداد و آمادگی مردم ایران

۱ - ۱۸ حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب میرزا محمد باقرخان شیرازی می فرمایند:

" و اما از استعداد نفوس مرقوم نموده بودید، فی الحقیقه چنین است. تشنه بسیار ولی ساقی قلیل، طالب بسیار ولی مبلغ کمیاب. " (۱)

۲ - ۱۸ و نیز در یکی از الواح می فرمایند:

" ... تا توانید در این ایام تبلیغ امرالله نمائید. فرصت بسیار خوبی ید قدرت الهیه فراهم آورده این فرصت را از دست مدهید. جمیع قلوب متوجه به امرالله و جمیع گوشها مترصد استماع کلمه الله. " (۲)

۳ - ۱۸ همچنین حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

" ... ید غیبی الهی در تقلیب نفوس و ارواح مشغولست و شبهه ای نیست که اگر یاران، ثابت و راسخ مانند و در نهایت

تمکین و حکمت به وظائف خود قیام نمایند، اموری عجیبه از پس پرده حکمت الهی مشهود و عیان گردد ... " (۳)

۴ - ۱۸ و بیت العدل اعظم:

" ... دوستان با بصیرت روحانی وافر خود قادرند استعداد روحانی افراد را احساس نمایند و عطش نفوس برای دسترسی به ماء حیات بخش پیام حضرت بهاء الله را تشخیص دهند. از میان افرادی که ملاقات می کنند - والدین کودکان همسایه، همکلاسان در مدارس، همکاران و یا کسانی که به طور اتفاقی با آنها برخورد می کنند - نفوسی را می جویند که بتوانند از آنچه حضرت بهاء الله به صرف جود و کرم بر بشر ارزانی فرموده اند، به آنها نصیبی بخشند. " (۴)

۵ - ۱۸ همچنین:

" در مهد امرالله جامعه بهایی بیش از پیش آماده خواهد بود که توجه خود را معطوف احیای ایران، بر طبق بیان مبارک حضرت عبدالبهاء که در پیام ۲۶ نوامبر مذکور است، و نقشی که در آن دست تقدیر الهی برایش مقدر فرموده، سازد لازمه

ایفای چنین نقشی آن است که کلیه استعدادهای روحانی، اخلاقی و عملی که در بوته بلایا و شدائد وجودش محقق شده به کار گرفته شود. " (۵)

۶ - ۱۸ و نیز:

" یکی از ارزشمندترین ثمرات فداکاری ها و تحمل محن وارده بر شما عزیزان در سنوات اخیر، افزایش چشمگیر آمادگی اهل عالم و ملت ایران برای قبول امر مبارک است ... " (۶)

آزمون ۱۸

مراجع:

- ۱ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۳۲
- ۲ - مائده آسمانی، جلد ۵، ص ۷۹
- ۳ - مائده آسمانی، جلد ۳، ص ۵۴
- ۴ - پیام ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵
- ۵ - پیام ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴
- ۶ - پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶

۱- " تا توانید در این ایام نمائید. بسیار خوبی
فراهم آمده این را از دست مدهید. قلوب متوجه به
امراالله و گوش ها مترصد استماع "

۲- در چه صورت اموری عجیبه از پس پرده حکمت الهی مشهود و
عیان خواهد شد؟

۳- لازمه ایفای نقش احبای ایران در احیای ایران چیست؟ توضیح
دهید.

۴- یکی از ثمرات و وارده بر شما
عزیزان در سنوات اخیر، آمادگی و برای
قبول امر مبارک است.

۱۹ - رفع استیحاش

۱ - ۱۹ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ... نفوس، استیحاش دارند باید نوعی مجری داشت که اول استیحاش نماند بعد کلمه نفوذ نماید. اگر نفسی از احباء با نفسی از غافلین، مهربانی کند و در کمال محبت، حقیقت امرالله را به تدریج تفهیم نماید که بداند اساس دین الله بر چه منوال است و مطلب چیست البته منقلب گردد مگر نادر نفسی که حکم رماد دارد ... " (۱)

۲ - ۱۹ همچنین:

" ... هارون الرشید خوابی دید که جمیع دندان هایش ریخته. معبر طلبید. چنان تعبیر شد که جمیع اولاد و احفاد و اقربایش خواهند مُرد. خودش بعد از آنها می میرد. هارون الرشید محزون و متغیر شده امر به حبس معبر نمود بعد پرسید آیا معبر دیگری یافت می شود گفتند بله. و حاضر نمودند. امر به تعبیر رؤیا فرمود معبر گفت دلیل و نشانی این است که

حضرت خلیفه بیش از سایرین یعنی بیش از همه عمر طولانی خواهند داشت. این همان مسئله است ولی بیانش طرز دیگر است. خلیفه مسرور شد انعام و اکرام فوق العاده نمود. حال اگر مسائل الهیه را به طور خوشی ادا کنند ، ابدأ مورد دوری و استیحاش نمی شود ، بلکه سبب هدایت نفوس کثیره خواهد شد ... " (۲)

آزمون ۱۹

۱- چگونه باید رفع استیحاş نمود؟

مراجع:

۱- مائده آسمانی، جلد ۵، ص ۸۳

۲ - خاطرات حبیب ص ۳۱۲، برگرفته از رساله راهنمای
تبلیغ ص ۸۱۴

۲۰ - نقش جوانان

۱ - ۲۰ حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

" امید و طید یاران، برای دنیایی بهتر و سالمتر کاملاً متوجه شما جوانان است که مأمور گشته اید تا به اقوال و اعمال خویش آن گونه حقایقی را که به تنهایی می توانند به نحو مؤثری وحدت و صلح را در جهان تأسیس و مستقر سازند، به منصفه ظهور رسانید. " (۱)

۲ - ۲۰ و همچنین:

" هیکل مبارک را امید چنان است که افراد جوان خود را برای وظیفه بزرگی که در مستقبل ایام با آن مواجه خواهند گردید مستعد و آماده نمایند و آن مساعدت به تجدید بنای عالم با الهام و تأیید از تعلیمات و اوامر مقدسه بهائی است. " (۲)

۳ - ۲۰ و نیز:

" جوانان کسانی هستند که به ناچار در آینده ای نزدیک

مجری امور تبلیغی و تشکیلاتی این آئین مبین خواهند گشت و هر چه زودتر خویش را از طریق تجارب حقیقی در میدان تبلیغ برای این مسئولیت سنگین آماده و مهیا سازند، احسن و اولی خواهد بود " . (۳)

۴ - ۲۰ بیت العدل اعظم می فرمایند:

" از آغاز این امر مبارک یعنی از دوران اولیه تاریخ بهائی، نسل جوان در ترویج و انتشار امرالله سهم بسزایی داشته و در این سبیل به خدمات فائده نائل آمده است. حضرت باب روح الوجود له الفداء وقتی اظهار امر فرمودند از سن مبارکشان بیش از بیست و پنج سال نمی گذشت. جمعی از حروف حی و تلامید آن حضرت نیز در مراحل اولیه عمر سالک، حتی از نفس مظهر ظهور، جوان تر بودند. حضرت مولی الوری در ایام اقامت در خاک عراق و عثمانی در عنفوان جوانی مسئولیت های عظیم در خدمت اب بزرگوار به عهده گرفتند و حضرت غصن اطهر برادر والاگهر حضرت عبدالبهاء در سن بیست و دو سالگی در سجن اعظم جان خود را لاجل " حیات عباد و اتحاد من فی البلاد " فدا نمود. حضرت شوقی ربانی ولی محبوب امرالله موقعی برای استقرار بر آریکه ولایت امر دعوت شدند که در

رِيعَانِ شَبَابِ بُوَدنَد و در دانشگاه آکسفورد به تحصیل اشتغال داشتند و به همین قرار عدهٔ کثیری از فارسانِ حضرت بهاء الله که در طیّ جَهَادِ ده ساله به تنفیذِ تعلیماتِ مبارک قیام نمودند و نام جاودانی در صفحاتِ تاریخ باقی گذاشته اند، جوان بودند." (۴)

۵ - ۲۰ همچنین:

"... شکر جمالِ اقدسِ ابهی را که در این عصرِ پر آشوب، جوانانِ منسوب به آستانِ قدسش را از مکائدِ دهر محفوظ داشت و در حلقهٔ روحانیانِ محشور فرمود و خدمتِ امرِ مبارکش را نصیب و ارزانی فرمود. در این اوان در اقطارِ جهان، خدماتِ جوانانِ قرنِ یزدان چنان رونق گرفته که آوازه اش مَسَامِعِ اهلِ بهاء را اهتزازی جدید بخشیده. چون نظر به پیشرفتِ امرِ تبلیغ در اقالیمِ اروپا و آمریکا و آسیا و آفریقا بیافکنیم، ملاحظه می شود که در سنّواتِ اخیره، جوانانِ شهسوارِ میدانِ تبلیغِ امرالله بوده اند... به حمدالله بسیاری از جوانانِ عزیزِ مهدِ امرالله که به مهاجرتِ فائز و در نقاطِ بعیده به نشرِ نفحاتِ الله مشغولند چنان مغناطیسِ تأییدِ ملاءِ اعلیٰ گشته اند که خود مبهوت و متحیر و این جمعِ شاکر و ممنونِ یاران در سرور و حبور ... " (۵)

۶ - ۲۰ و نیز:

"... اما از جوانانِ بهائی، وارثینِ متقدّمینِ شجیع و مؤمنینِ اوّلیّهٔ امرالله که هم اکنون بار مسئولیتِ تاریخی بر دوشِ آن عزیزانِ پر جوش و خروش نهاده شده است، دعوت می نماید تا در این ایام که علاقمندی شدید نسبت به امرِ ربّ مجید در سراسر جهان محسوس و عیان است، مساعی خویش را مُضَاعَف نمایند و پیامِ جانبخشِ مالکِ امکان را به سمعِ همسالانِ معاصرِ خود برسانند و خود را آمادهٔ روزِ فیروزی سازند که از معتقدین و متمسکین و مؤمنینِ باتجربه محسوب گشته و قادر به انجامِ وظائفِ خطیره ای گردند که در مستقبلِ ایام به ارادهٔ حضرتِ ربّ الانام به آنان محوّل خواهد شد. به این مناسبت لوحِ مبارکی که از قلمِ اعلیٰ نازل شده زینتِ بخش این پیام می گردد. قوله عزّ بیانه:

طوبی از برای نفسی که در اوائلِ جوانی و عنفوانِ شباب قیام به خدمتِ امرِ مولای عالمیان بنمایند و قلب خود را به محبتش بیاریند. نیل به چنین فیضِ عظیمی و موهبتِ کبری اعظم است از ابداعِ السّمواتِ و الأرضِ طوبی للثابتین و الرّاسخین. " (۶)

" ایجاد خفقان اقتصادی از طریق محروم کردن جوانان از تحصیلات عالی به بدون شک یکی از خطّ مشی های دشمنان امرالله به منظور ریشه کن کردن جامعه بهائی در آن سرزمین است. از این طریق مایلند روحیه جوانان را تضعیف کنند، به موقعیت اجتماعی آینده جامعه لطمه وارد سازند و امیدوارند عده ای از خانواده های بهائی را تشویق و یا مجبور به خروج از ایران نمایند ... جوانان عزیز بهائی اگرچه از کسب تحصیلات عالی در دانشگاه های دولتی محرومند، ولی اولاً هر روز تعداد فزاینده ای از آنها موفق به تحصیل در دانشگاه علمی آزاد می شوند و ثانیاً از طرق دیگر مشغول کمک به پیشرفت وطن عزیز خود در زمینه های توسعه اقتصادی و اجتماعی و تهذیب اخلاق و استحکام حیات عائله هستند و از این راه نه تنها به ملت ایران بلکه به مردم جهان نشان می دهند که چطور علی رغم تضییقات متتابعه و ستم های وارده با استفاضه از پیام روح بخش حضرت بهاء الله در مساعی خود برای کسب عزت و منقبت کشور مقدس ایران جاهدند. " (۷)

۸ - ۲۰ قسمتی از سخنرانی دکتر فرزاد ارباب در ۲۸ آوریل ۲۰۰۱:

" در این جریان عظیم رشد ، هیچ بخشی از جامعه بیش از جوانان بهائی مشارکتی نیرومند و بارز نداشت. در کارهای برجسته آنها در این دهه های بسیار مهم و اساسی ، مسلماً مانند کارهایی که در تمامی تاریخ صد و پنجاه ساله گذشته انجام شده است، هر فردی مکرراً به یاد می آورد که اکثریت عظیم گروه قهرمانان و ابطال که در سالهای میانه قرن نوزده، امر مبارک را در مسیرش به پیش بردند، تماماً جوان بودند ... " (۸)

آزمون ۲۰

۱- وظیفه بزرگ جوانان بهائی چیست؟

۲- نمونه های مذکور در پیام بیت العدل اعظم راجع به نقش جوانان از آغاز امر مبارک نشان دهنده چه مطلبی می باشد؟

۳- " طوبی از برای نفسی که در و قیام به
امر مولای عالمیان بنماید و قلب خود را به بیاراید.

۴- جوانان بهائی در شرایط کنونی ایران باید چگونه عمل نمایند؟

مراجع:

۱- کتاب جوانان، ص ۱۲۹

۲- کتاب جوانان، ص ۱۲۹

۳- کتاب جوانان، ص ۱۳۰

۴- پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶، برگرفته از کتاب جوانان، ص ۳۵ - ۳۶

۵- کتاب جوانان، ص ۴۰

۶- پیام ۲۱ آپریل ۱۹۸۲، برگرفته از کتاب جوانان ص ۱۳۰ - ۱۳۱

۷- پیام ۱۵ می ۲۰۰۷

۸- برنامه های فشرده رشد، ص ۱۳

۲۱- صحبت با مادیون (بی دینها)

۱- ۲۱ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" و چون بعضی از دوستان آمریکا تَشْرُف حاصل نموده و طلب تأیید در تبلیغ امرالله می کردند، به ایشان می فرمودند که وقتی با بی دین ها صحبت می کنید از مضرات و مفسدِ عالمِ طبیعت آنها را آگاه نمائید که این حالات از خصائص عالم حیوانست. اما انسان به قواء عقلیه و احساساتِ وجدانیه از سائر مخلوقات، ممتاز گشته. تا تعمق در روحانیات کند کشف حقایقِ اشیاء نماید، منجذبِ ملکوتِ اعلیٰ باشد. در خیر نوع انسان و آسایشِ بشر کوشد ترویجِ وسائلِ عدل و انصاف نماید. آخر به آنها بگوئید که عالمِ طبیعت و مقتضیاتِ آن را سیر کردید حال چندی در عالم روحانی و فضای نورانی بیائید اگر ضرری دیدید برگردید از این قبیل با آنها صحبت کنید ... " (۱)

۲- ۲۱ و همچنین:

هوالله

ای ثابت بر پیمان هر نفسی را ملاحظه نمائید که به نیتِ خالص تحرّی حقیقت می نماید. القاء کلمه الله نمائید ولو از هر قبیل اشخاص باشد اما اگر ملاحظه کنید که از مادیون بی انصاف شدید الاعتساف است و عناد محض و تحرّی حقیقت نمی نماید. با چنین اشخاص صحبت بی فائده است و تضييع اوقات و عليك البهاء الابهي. ع ع (۲)

۳- ۲۱ و حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

" شبهه ای نیست که آن روز مبارک خواهد رسید که نفسِ مخربینِ آئین و دینِ الهی و مروجینِ عقائدِ سخیفه مادیونِ عالم، خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را به دست خویش خاموش کرده بنیان بی دینی مفرطشان را از اساس براندازند و به جان و دل به قوائی اشدّ و اکمل از قبل به تلافی مافات قیام نموده خود را منضم به پیروان این امر مبارک نمایند و مروجِ تعالیم حضرت بهاء الله گردند ... " (۳)

آزمون ۲۱

۱- روش صحبت با افراد بی دین به فرموده حضرت عبدالبهاء چگونه باید باشد؟

۲- به فرموده حضرت عبدالبهاء صحبت با چه نفوسی بی فایده و تضييع وقت است؟

۳- چه کسانی بنیان بی دینی مفرط را بر خواهند انداخت؟

مراجع:

۱ - سفرنامه مبارک، جلد دوم، ص ۲۹۲

۲ - مائده آسمانی ج ۵، ص ۸۱

۳ - مائده آسمانی ج ۳، ص ۵۴

۲۲- در حین خدمت امتحان می شویم

"... هر نفسی که سعی و کوشش نماید مورد امتحان واقع خواهد شد. مثلاً فرض کنید که شما تعهدی می کنید و تعهد شما این است که هر شب بیست صفحه از آثار مبارکه را زیارت کنید. شروع این کار چندان مشکل نیست. امشب بیست صفحه بخوانید، و فردا هم بیست صفحه دیگر، سه شنبه بیست صفحه دیگر، چهارشنبه یک مشکل ایجاد می شود و پنجشنبه شما خسته می شوید. جمعه به خود قول می دهید که روز شنبه چهل صفحه بخوانید و به همین ترتیب. شما مورد امتحان واقع می شوید چون بشر هستید. ما بهائیان به قوه مستقل شر اعتقاد نداریم، اما آثار مبارکه شر را در اشاره به ماهیت مادی خود ما مجسم می سازند، و اصطلاح شیطان که در آثار مبارکه استفاده شده است، به این معنی نیست که ما به یک قوه مستقل شر یا یک موجود ناخوشایند و نامطبوع به نام ابلیس معتقد باشیم که در تاریکی در جایی کمین می کند که بتواند شما را به چنگ

آورد، بلکه یک تجسم نمایشی از ماهیت مادی خود ما است. در آثار حضرت عبدالبهاء بیانی به این مضمون وجود دارد که شیطان در لباسی به شما ظاهر می شود که بیشترین جذایت را برای شما داشته باشد... ما در زمینه ای که بیش از هر زمینه دیگر ضعیف هستیم، مرتباً مورد آزمایش قرار می گیریم. موارد بسیار زیادی وجود دارد که من ممکن است مورد آزمایش واقع شوم ولی هیچ تأثیری بر من نداشته باشد، ولی این آزمایش نیست. شیطان به صورتی که برای من جذاب نیست در مقابل من ظاهر نمی شود، چه که در این صورت او را ندیده می گیرم. ما در زمینه هایی که بیش از هر چیز آسیب پذیر هستیم، بیشتر مجذوب آن می شویم و چیزی است که در جریان بذل مجهودات با آن سر و کار داریم مورد امتحان واقع می شویم."

آزمون ۲۲

در مورد موضوع فوق در جمع خود مشورت نموده تجارب خود را بیان نمائید.

مرجع:

سخنرانی دکتر پیتر خان در آدلاید استرالیا، اوت ۲۰۰۲

۲۳- نقش شجاعت و فداکاری و توکل در تبلیغ

۱- ۲۳ توصیه حضرت بهاء الله خطاب به یکی از احباء:

" قُمْ عَلَى خِدْمَةِ اللَّهِ وَ نَصْرِهِ ثُمَّ نَطِقْ بِذِكْرِ نَفْسِهِ بَيْنَ لِعَالَمِينَ وَ لَا تَخَفْ مِنْ أَحَدٍ تَاللهِ لِحَقِّ رُوحٍ لِعَظْمٍ يُؤَيِّدُكَ فِي أَمْرِ مَوْلَاكَ وَ رُوحٌ لِقُدْسٍ يَنْطِقُ عَلَى لِسَانِكَ فِي حِينٍ لَدَى يَفْتَحُ شَفَتَاكَ لِثَنَاءٍ هَذَا لِمَحْبُوبٍ لِمَظْلُومٍ بَيْنَ يَدَيِ هَوْلَاءٍ لظَالِمِينَ."

مضمون بیان مبارک به فارسی:

" بر خدمت حق و یاری اش قیام کن ، سپس به یاد او در بین عالمیان نطق کن و از کسی نترس. قسم به حق که روح اعظم تو را در امر مولایت یاری می کند و روح القدس بر لسانت نطق می کند در لحظه ای که لبانت را برای ثنای این محبوب مظلوم میان دستان آن ظالمین باز می کند. " (۱)

۲- ۲۳ همچنین می فرمایند:

" بگو ای اهل بهاء مبدا سطوت اقویا قوت شما را سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد.

به حق توکل کنید و امور را به حفظ او سپارید. خداوند به نیروی حقیقت شما را مظفر و منصور خواهد ساخت. اِنَّهُ هُوَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ وَ فِي قَبْضَتِهِ زِمَامُ الْقُدْرَةِ وَالْاِقْتِدَارِ. " (۲)

۳- ۲۳ و نیز توصیه حضرت عبدالبهاء:

" ... شما را برای تبلیغ می فرستیم انشاء الله مؤید شوی در کمال شجاعت و شهامت برو و اعتنائی به استکبار و اعتراض نفوس مکن ... " (۳)

۴- ۲۳ همچنین:

" پس زبان بگشائید و به کمال شجاعت در هر محفلی صحبت بدارید. در وقت خطاب، اول توجه به بهاء الله نمائید و تأییدات روح القدس بخواهید و زبان بگشائید و آنچه بر قلب شما القا می شود بیان نمائید، ولی در نهایت شجاعت و متانت و وقار. " (۴)

۵- ۲۳ حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" حتی اگر تنها هستی و هر چقدر مردم مخالفت کنند، باید ایمان داشته باشی که جنود ملاء اعلی با تو هستند. و با کمک

آنها مطمئناً بر لشکرِ ظلمت که مقاومتِ امرالله می کند، غلبه خواهی کرد. بنابراین جهد کن، خوشحال باش و اطمینان داشته باش. " (۵)

۶ - ۲۳ همچنین می فرمایند:

" ... بایستی چون در مقابلِ معترضین قرار گیرند به نهایت جرات و شهامت و بدون آذنی شائبه خوف و هراسی ایستادگی نمایند ... " (۶)

۷ - ۲۳ و نیز:

" ... توکل و اعتمادمان را به خدا واگذاریم به محض اینکه قیام نمودیم و واسطه فعالِ فیض و نزولِ رحمت الهی گشتیم، عون و عنایت حق شامل حال می گردد. آیا تصور می کنید که مبلّغین قادرند که عقائد را تغییر داده و یا قلوب را تقلیب نمایند کلا و حاشا آنها فقط نفوس مجرّده ای هستند که خود را تسلیم نموده تا روح حضرت بهاء الله بهر نحو که اراده فرماید ایشان را به حرکت انداخته، مورد استفاده قرار دهد. اگر نفسی از آنها ولو برای یک ثانیه فکر و یا تصور کند که خدمات او در

نتیجه لیاقت شخصی او بوده کارش تمام و سقوطش شروع می گردد. این است منتهی علّتی که عدّه ای از اشخاص لایقه مقتدره با وجود خدمات جلیله بغتاً خود را به کلی عاجز یافتند و چه بسا که روح دافع امر، آنها را چون نفوس عاطله متروک ساخت. میزان موفقیت حدی است که خود را تسلیم نموده تا اراده حق به وسیله ما عمل نماید. " (۷)

۸ - ۲۳ همچنین:

" نگذار ضعف تان بر شما غلبه کند، توکلِ کامل به خدا کن، بگذار قلبت از شعله عشق به خدمت و تبلیغ امر او مشتعل شود، و خواهی دید که چطور قوتی که بتواند قلوب را تقلیب نماید ظاهر می شود. اگر قیام به تبلیغ کنی مطمئناً حضرت شوقی افندی برای موفقیتِ شما دعا خواهند نمود. در حقیقت نفسِ قیام به تنهایی مضمولِ نصرت و تأییداتِ حق است. " (۸)

۹ - ۲۳ بیت العدل اعظم:

" امروزه امر الهی ... نیاز به نفوسِ مخلص و فداکار و حامیانِ وفاداری دارد که بی اعتنا نسبت به عدم امکانات و

ضعف قوای خود بوده با قلبی مشتعل از نار محبت الله همه چیز خود را در راه انتشار و استقرار امرالله فراموش کنند. " (۹)

آزمون ۲۳

۱- " پس زبان بگشائید و به کمال در هر محفلی صحبت بدارید. در وقت خطاب اوّل توجه به نمائید و بخواهید و زبان بگشائید و آنچه بر شما القا می شود بیان نمائید، ولی در نهایت و و "

۲- میزان موفقیت در امر تبلیغ چیست؟ توضیح دهید.

۳- " در حقیقت به تنهائی مشمول و است. "

۴- امروز امر الهی احتیاج به چه نفوسی دارد؟

مراجع:

- ۱ - آثار قلم اعلی، جلد ۴، ص ۱۳۱
- ۲ - مؤسسه روحی، کتاب ششم، ص ۴۴
- ۳ - سفرنامه جلد دوم ص ۱۴۰
- ۴ - مؤسسه روحی، کتاب ششم، ص ۵۴
- ۵ - مؤسسه روحی، کتاب ششم، ص ۵۴
- ۶ - رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۱۵
- ۷ - مؤسسه روحی، کتاب ششم، ص ۶۷
- ۸ - مؤسسه روحی، کتاب ششم، ص ۶۷
- ۹ - دستخطهای بیت العدل جلد ۱، ص ۵۲۹

۲۴ - امتیازات اهل بهاء در چیست؟

" اگر به موجب وصایای بهاء الله عمل نمائی یقین بدان که تفحات روحانی مشام معطر نماید و پرتو شمس حقیقت بر دل و جان زند و موفق به خدمت عالم انسانی گردی زیرا مهربانی به خلق عبادت حضرت کبریاست. ایام گذشته را نظر منما حال باید خادم ملکوت گردی و خلق و خوی را رحمانی نمائی... "

(مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۷۷)

۳ - ۲۴ و نیز:

" حال به شکرانه خداوند یگانه بر اعمال مبروره قیام نمائید و با عالمیان دوستِ مهربان شوید، به خدمت نوع بشر پردازید و به محبتِ عالم انسانی مبعوث گردید، بیگانه را خویش بینید و اغیار را یار شمردید، بدخواه را خیر خواه دانید و پرگناه را بی گناه شمردید. عَدُوّ عَنُود را مُحَبِّ وُدُود دانید و ظَلُومِ جَهُول را به اوج قبول در آرید. یعنی دشمنان را مانند دوستان بنوازید و به انتقام پردازید، کسی را میازارید و خاطری مرنجانید، بلکه هر دردی را درمان گردید و هر زخمی را مرهمی شایان و رایگان شوید، مظاهرِ رحمتِ پروردگار باشید و مطالعِ نورِ موهبتِ کردگار. " (۳)

۴ - ۲۴ ایضاً:

" انسان باید ممتاز از حیوان باشد و امتیاز انسان به این است که سبب راحت و آسایشِ دیگران گردد و آلا اگر راحت و استفاده شخصی باشد جمیع وُحُوش و طُیُور به آن فائز. " (۴)

۱ - ۲۴ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ... شما باید در اخلاق، در محبت الهی نفوسی برجسته و ممتاز باشید. شما باید به علتِ محبت به جامعه، به علت اتحاد و اتفاق، به علت عشق و عدالت ممتاز باشید. باری شما باید در جمیع فضائل عالم انسانی، به علت وفا و خلوص، به علت عدالت و درستی، به علت ثبات و استقامت، به علت اعمال انسان دوستانه و خدمت به عالم انسانی، به علت محبت به جمیع افراد بشر، به علت اتحاد و اتفاق با جمیع مردم، به علت اِزاله تعصبات و ترویجِ صلحِ عمومی ممتاز باشید. " (۱)

۲ - ۲۴ همچنین:

" از تأییداتِ ربِّ الآیات امید چنان است که سبب هدایتِ دیگران گردید و موهبتِ بی پایان یابید، بینوایان را نوا بخشید و محرومان را محرم راز فرمائید. به دوست و دشمن هر دو مهربان شوید و نوع انسان را مکرم شمارید، به عالم انسانی خدمت کنید و به جمیع بشر مهر پرور گردید. اینست صفت بهائیان و اینست سمت روحانیان. " (۲)

"به قوتی الهیه و همّتی ربّانیه و نیتی رحمانیه و شئونی روحانیه در هر دیار با جمیع اشخاص الفت و محبّت و سلوک فرمائید زیرا در این دورّ جلیل، فیض شامل است و فوز کامل، جمیع روش و سلوک باید عمومی باشد نه خصوصی، استثنائی در میان نیست. انسان با جمیع اهل عالم مأمور به عدل و انصاف و امانت و مروّت و محبّت و صداقت و الفت و رعایت و حمایت و مهربانی است." (۵)

۶ - ۲۴ در زمانی احبّاء اینچنین مورد توصیف قرار گرفتند:

"جهان غافل و شما آگاه و عالمان و عارفان محروم و شما محرم و اکابر و اعظم بیگانه و شما آشنا، آنان اعتساف خواهند و شما انصاف جوئید، آنان راه جفا گرفتند و شما سبیل وفا پوئید، آنان در نهایت بغض و کینند و شما در نهایت محبّت با ملل روی زمین، آنها خونخواری خواهند و شما غم خواری می کنید، آنان درندگی جویند و شما بندگی می نمائید، آنان زخمند و شما مرهم، آنان دردند و شما درمان، آنان زهرند و شما شهد، آنان تیر جفایند و شما میر وفا، آنان مصدر بغض و

عداوتند و شما مرکز حبّ و ملاحظت، آنان اگر دست یابند خون ریزند و شما اگر فرصت یابید شکر ریزید و مُشک و عنبر بیزید. بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا. این نیست مگر از موهبتِ جمال ابھی روحی له الفداء. " (۶)

آزمون ۲۴

به طور کلی حضرت عبدالبهاء به جهت اهل بهاء چه امتیازاتی را
در نظر گرفتند؟

مراجع:

- ۱- خطابه ۱۵ ژوئن ۱۹۱۲
- ۲- مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۲۰۱
- ۳- مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۱۰۲
- ۴- مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۱۱۴
- ۵- مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۱۱۹
- ۶- مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۱۹۸

۲۵ - حکایتی از دکتر سیروس اعلائی

در سال ۱۹۸۰ با یک شخصیتِ مسلمانِ ایرانی، سرِ راهِ استرالیا یک روز در سنگاپور ماندیم. طی ساعاتِ طولانیِ پرواز راجع به امر خیلی با هم صحبت کردیم. به ایشان که از قضاتِ معتبر و یکی از شهرداران سابق بودند، گفتم که: "بهاییان در همه جای دنیا موجودند. از نظر گسترش "جامعهٔ بهایی" بعد از جامعهٔ مسیحی، در ردیف دوم قرار دارد و همه بهائیانِ دنیا ایران را دوست می‌دارند." با طعنه پرسید که: "آیا در سنگاپور هم هستند؟" گفتم: "لابد هستند، ولی من کسی را نمی‌شناسم، فرصتی هم برای ملاقاتِ کسی نداریم فقط یک روز توقف خواهیم کرد." از روی ادب چیزی نگفتم ولی معلوم بود که حرفم را باور نکرده است. آن روز با جمعی دیگر از جهانگردان برای دیدن شهر رفتیم. در یکی از بازارها ایشان را دیدم که با عجله به طرف من آمد و گفت: "بیا که با یک بهایی محلی روبرو شده‌ام." فروشنده‌ای بود سنگاپوری که انگلیسی را

روان صحبت می‌کرد، همسفر من برای خریدِ سوغات با این فروشنده روبرو شده و خود را ایرانی معرفی کرده بود. فروشنده با شنیدن نام ایران، پرسیده بود که: "آیا شما بهایی هستید؟" جواب داده بود: "خیر، ولی همراه من بهایی است." فروشنده گفته بود: "من بهایی هستم و این موهبت را از کشور شما ایران دارم، من مدیون کشور شما هستم، اگر خدمتی برای شما از دستم ساخته باشد مضایقه ندارم، مایلم شما را به چای به منزل خود دعوت کنم. مخصوصاً که مبلغ من دکتر مهاجر از ایران است. به طوری که می‌بینی قدرش را اینجا و همه جا می‌دانند ولی هم وطنانش او را نمی‌شناسند." سپس همراه من رو به من کرده و گفت: "می‌دانی که من به ایران مراجعت می‌کنم و دوست و آشنا زیاد دارم. این برخورد را همه جا بازگو خواهم کرد تا معلوم شود آنان که ایران را بلند آوازه و پر افتخار کرده‌اند، کدامند."

آزمون ۲۵

چگونه می‌توانیم ایران را بلند آوازه و پرافتخار نمائیم؟

مرجع:

پیام بهایی، شماره ۱۴۳، ص ۸۲

۲۶- قسمتی از بیانیه بیت العدل اعظم درباره اطاعت

از حکومت و تبلیغ امرالله

حکومت به عنوان سیستمی برای تداوم رفاه و ترقی منظم جامعه بشری، به مَهر تأیید الهی مزین است. تأکید بر ضرورت همیشگی حکومت از جمله ویژگی های بارز آیین بهایی است. حضرت بهاء الله اهمیت حکومت را در کتاب مستطاب اقدس و تعدادی از الواح معروف خود، صریحاً تأکید فرموده اند ... ولی معهداً این اطاعت با وجود تأکیدات شدید در آثار مبارکه، جنبه مطلق ندارد. در یکی از دستخط هایی که به دستور حضرت ولی امرالله به زبان انگلیسی نوشته شده است و ترجمه آن اینجا نقل می گردد، می فرمایند که احباء " نباید در تحت هیچ شرایطی اجازه دهند که معتقدات عمیق دینی آنان توسط هیچ مرجع دولتی مورد تجاوز و تهاجم قرار گیرد. "

احبای عزیز الهی در این مورد باید تفاوتی بنیادی و مهم بین مسائل روحانی و اداری قائل شوند. در توقیعی صادر از کلک مطهر حضرت ولی امرالله به زبان انگلیسی این تفاوت تشریح

شده که ترجمه ای از آن چنین است: " اگر چه وظائفی که جنبه روحانی دارد مقدس و تخطی ناپذیر است و بنابراین نمی تواند مورد مصالحه قرار بگیرد، ولی مسائل اداری ثانوی و انعطاف پذیر است و نتیجتاً می توان آن را قربانی اطاعت قوانین حکومت نمود. " بیان حضرت بهاء الله در کتاب عهدی که در آن تفاوت بین قلمرو قدرت ملوک و عرصه امور الهی را روشن فرموده اند موجب تیزبینی و افزایش آگاهی شخص نسبت به ماهیت تفاوت حساسی که بهاییان موظف به تشخیص آن هستند، می شود. در این مقام، جمال مبارک امور دنیوی را به سلاطین و ملوک محول فرموده و قلوب را به نفس مظهر ظهور کلی الهی اختصاص می دهند.

... ایمان احساس باطنی و آکنده از اشتیاق برای جلوه نمودن در قالب کلام و عمل می باشد. تبلیغ، این دو را به هم می آمیزد. تبلیغ که به عنوان افضل اعمال از جانب حص توصیف شده از جمله وظائف روحانیست که هر فرد بهایی در آثار مبارکه، به انجام آن موظف شده است. بدین ترتیب، تبلیغ امری وجدانی و به طور قطع جاذب تأییدات روح القدس است. پیروان حضرت بهاء الله که به انجام وظیفه ای این چنین بنیادی برای ابراز ایمان

اشتغال دارند، آن را مجرای برای وصولِ عنایاتِ الهی و پاداشِ ربانی که آرزوی هر فردِ آگاه است، می دانند. تحت تأثیر قوه محرکه این آگاهی روحانی، هر فرد بهایی وجداناً حق ابراز عقیده خود را، چه از طریق اظهار و اقرار و چه ارائه آن به دیگران، به دور از دخالت هر مرجع قدرت دنیوی، محفوظ و مسلم می داند.

مرجع:

پیام مورخ ۲۸ فوریه ۲۰۰۵

هوالبهی

ای بنده پروردگار از خدا بخواه که در این
عالم پر محنت نفس راحتی کشی و در این
جهان پر آلایش، آسایشی نمائی. این موهبت
چهره نگشاید و این عنایت محفل دل نیاراید
مگر به انقطاع از ماسوی الله و توجه تام به

ملکوت ابهی ... ع ع

(مائده آسمانی، جلد ۵، ص ۸۴)

۲۷- مناجات ها

۱- ۲۷ طلب خدمت و عبودیت و فداکاری و هدایت نفوس

۲- ۲۷ دعا و مناجات پس از وصول به مقام هدایت

۳- ۲۷ دعا برای اهل عالم

قسمتی از متن سخنرانی جناب نخجوانی در ایتالیا:

حضرت ولی امرالله چنین می فرمایند که ما باید از آستان حضرت بهاء الله رجا نماییم که نفوس مستقبله و پذیرا را برای ما بفرستد. نفوس مستعده آماده در هر شهر و مدینه موجودند، تشنه حقیقت اند ولی نمی دانند کجا جستجو کنند. همه بندگان حق اند و زبان به دعا و ستایش می گشایند. ربّ متعال، پروردگار جمیع عالمیان است و لاجرم اراده می فرماید که کل به آیین نازنین هدایت گردند. بنابراین کافی نیست که ما فقط دست دعا به سوی حضرت باری تعالی بلند نماییم و طلب تأیید در خدمات تبلیغی نماییم. این عمل خوب و مبرور است ولی کافی نیست. باید در آستان الهی مسألت نماییم نفوس مستعده را به ما عنایت فرماید.

۱- ۲۷ طلب خدمت و عبودیت و فداکاری و هدایت نفوس

الها معبودا کریم رحیما

توئی آن سلطانی که سلاطین عالم نزد اسمی از اسمایت خاضع و خاشع. ای کریم، کرمت عالم را احاطه نموده و رحمت سبقت گرفته. تو را قسم می دهم به کلمه علیا و اقتدار قلم اعلی که این عبد را مؤید فرمائی بر آنچه لایق ایام تو است. غریبی اراده وطن اعلی نموده و قاصدی قصد غایت قصوی کرده. او را مدد فرما تا بر خدمت قیام نماید و به انتشار اوامر و احکامت مشغول گردد. ای کریم، این فقیر را از بحر غنایت محروم منما و این مسکین را در ظل رحمت مقرر ده که شاید از نفعات وحی تازه شود و به حیات ابدی فائز گردد. تویی قادر و توانا و تویی عالم و دانا. لا اله الا انت العلی الاعلی.

(ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۰۷)

هُوَ اللَّهُ

ای پدر آسمانی جُنود ملکوت داری و ملائکهء روحانی ما بیچارگان مرغ بال و پر شکسته ایم ولی در فضای ملکوت پرواز آرزو کنیم ماهیان تشنه لبیم دریای آب حیات طلبیم پروانه عالم ناسوتیم آرزوی سراج لاهوت داریم در نهایت ضعف و بی قوتیم ولی خود را به صف عالم می زنیم پس ای ربّ الجنود تأیید فرما تا سپاه انوار ظفر یابد و لشکر ظلمات شکست خورد ما را به خدمت ملکوت موفّق دار و بر اسرار الهی مطلع نما و به سلطنت سرمدی بشارت ده و از حیات ابدیه بهره و نصیب بخش زبان را گویا کن و دیده ها را بینا نما تا مشاهدهء عالم ملکوت کنیم و به نطق فصیح ستایش جمال و کمال تو نمائیم توئی بخشنده و مهربان . عبدالبهاء عبّاس

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء، فقره ۲۷۵)

هُوَ اللَّهُ

ای خدا تو شاهی و گواهی که در دل و جان آرزوئی ندارم جز آنکه به رضایت موفّق گردم و به عبودیتت مؤید شوم به خدمتت پردازم و در کرم عظمت بکوشم و جان و دین را در راهت فدا نمایم توئی دانا توئی بینا هیچ آرزوئی جز این ندارم که از محبت سر به کوه و صحرا نهم و فریاد به ظهور ملکوت نمایم و ندایت را به جمیع گوشها برسانم. ای خدا این بیچاره را چاره ئی بخش و این دردمند را درمانی ده و این مریض را علاجی عطا کن با قلبی سوزان و چشمی گریان به درگاہت مناجات مینمایم ای خدا در سبیلت هر بلائی را مهیا هستم و هر صدمه ای را به جان و دل آرزو نمایم ای خدا از امتحان محافظه نما تو میدانی که از هر چیزی گذشته ام و از هر فکری فارغ شده ام جز ذکر تو شغلی ندارم و جز خدمت آرزوئی نخواهم .

ع ع

(مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء، فقره ۴۰۱)

هُوَ الْإِبْهِي

ای پروردگار عبدالبهاء خاکسار را به خدمت ابرار موفق فرما و این بنده بی سر و پا را به عبودیت احرار مؤید کن تا در انجمن عالم به نور محبت روشن گردد و چنان اشراقی نماید که ظلمت کلفت زائل گردد و حقیقت الفت رخ بگشاید آفاق انسانی نورانی گردد و صلح و سلام و آشتی و فلاح فیض رحمانی شود وحدت اصلیه جمال بنماید و روابط قدیمه شاهد انجمن عالم گردد هر یک دیگری را جان فشان شود و هر فرد سائر افراد را قربان گردد کل در ظل عبودیت در آیند و از بحر احدیت نصیب برند آیات مُصحف توحید شوند و آیات لشکر تجرید گردند تا جهان فانی نمونه عالم باقی شود و فرح و شادمانی جلوه عالم انسانی . ع ع

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء، فقره ۲۷۸)

هُوَ اللَّهُ

رَبُّ رَبِّ نَحْنُ عِزَّاءُ و انت القویُّ القَدیرُ و نحن اذْلَاءُ و اَنْتَ العزیز الجلیل و نحن فقراءُ و انت الغنیُّ الکریم ایدنا علی عُبودیةِ عَتَبَةِ قُدْسِکَ وَ وَفَّقْنَا عَلٰی عِبَادَتِکَ فِی مِشَارِقِ ذِکْرِکَ وَ قَدَّرَ لَنَا نِشْرَ نَفْحَاتِ قُدْسِکَ بَیْنَ خَلْقِکَ وَ اَشَدُّ اُزُورِنَا عَلٰی خِدْمَتِکَ بَیْنَ عِبَادِکَ حَتّٰی نَهْدٰی الْاُمَمَ اِلٰی اِسْمِکَ الْاَعْظَمِ وَ نَسُوْقَ الْمَلْکِ اِلٰی شَاطِئِ بَحْرِ اَحْدِیَّتِکَ الْاَکْرَمِ اِی رَبِّ نَجِّنَا مِنْ عِلَاقِ الْخِلَاقِ وَ الْخَطِیْئَاتِ السَّوَابِقِ وَ الْبَلِیَّاتِ الْلَّوَّاحِقِ حَتّٰی نَقُومَ عَلٰی اِعْلَآءِ کَلِمَتِکَ بِکُلِّ رُوحٍ وَ رِیْحَانٍ وَ نَذِکْرُکَ فِی اَنْاءِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ نَدْعُوْا الْکُلَّ اِلٰی الْهُدٰی وَ نَأْمُرُ بِالْتَّقْوٰی وَ نُرْتِّلُ اٰیَاتِ تَوْحِیْدِکَ بَیْنَ مَلَأِ الْاِنْشَآءِ اَنْکَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلٰی مَا تَشَآءُ لَا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَزِیْزُ الْقَدِیْرُ . ع ع

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء ، فقره ۵۸)

هُوَاللّٰه

ای خداوند بیهمتا ای ربّ الملکوت این نفوس سپاه آسمانی
تواند امداد فرما و به جنود ملاً اعلیٰ نصرت کن تا هر یک نظیر
اردوئی شوند و آن ممالک را به محبّت اللّٰه و نورانیّت تعالیم
الهی فتح کنند ای خدا ظهیر و نصیر آنها باش و در بیابان و کوه
و درّه و جنگلها و دریاها و صحراها مونس آنها باش تا به قوّت
ملکوتی و نفثات روح القدس فریاد زنند توئی مقتدر و عزیز و
توانا و توئی دانا و شنوا و بینا . ع ع

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء ، فقره ۷۱)

هُوَاللّٰه

ای خداوند بی انباز این حقیقت مبتله را مانند شمع روشن کن
تا در هر جمع به ذکر تو مشغول گردد نور هُدی بر افروزد و در
انجمن رحمن مانند سراج بسوزد و به یاران نور بخشد. ای
خداوند روحی در دلها بدم که همدم تو گردند و شوقی در
قلوب بینداز که به ذکر تو دمساز شوند جانها را شور و ولهی ده
و دلها را وجد و طربی بخش که هر دم روحی تازه یابند و به
سروری بی اندازه رسند ای خداوند مهربان یاران را روح و
ریحان بخش و تأییدی آسمانی فرما تا تشنگان را سلسبیل
هدایت دهند و گمگشتگان را به سبیل عنایت دلالت کنند توئی
مقتدر و توانا و شنونده و بینا . ع ع

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء ، فقره ۷۲)

هو الله

ای پروردگار مهربان این انجمن بجهت نصرت کلمة الله و روح القدس تشکیل شده تأیید و توفیق بخش و مؤید به قوه آسمانی نما تا این انجمن چون شعله نورانی بر افروزد و انوار رحمانی مبذول دارد و اطراف را روشن کند تعالیم آسمانی ترویج نماید و به وحدت عالم انسانی خدمت کند نفوس را از ظلمات عالم طبیعت منسلخ نماید و به نورانیت الهیه روشن نماید تعمیر به روح و نور و حیات ابدیه بخشد .

عبدالبهاء عباس

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء ، فقره ۱۵۶)

هو الابهی

ای بنده حق دست شکرانه به درگاه خداوند یگانه بلند نما و بگو ای بها جان جانم به فدایت ای دلبر نازنینم ای یار دلنشینم عنایتی فرما که در ملکوت ابهات با رخی روشن و وجدانی چون گلزار و چمن راه یابم و در خدمت امرت کوشم و جان در رخت افشانم و خاک ره احبایت گردم انک انت الکریم الرحیم . ع ع

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء ، فقره ۲۸۹)

۲- ۲۷ دعا و مناجات پس از وصول به مقام هدایت:

هو الله

یا مولائیِ الحَنون، بنده خالصِ مُخلصِ درگاهت را بر نشر
نفحاتِ قدسیّه ات مُؤیّد دار، تا به بیانی فصیح و انجذابی بدیع و
دلیلی قاطع و انقطاعی کامل، امر عظیمت را گوشزد هر شریف و
وضیع نماید و تا آخر الحیوة بر این عملِ جلیل لیلأ و نهارأ قائم
و ثابت بماند و از بندگانت و یاران با وفایت محسوب شود.

بنده آستانش شوقی

(مجموعه مناجات حضرت ولی امرالله، ص ۳۵)

هُوالله

إلهیِ إلهیِ نحن اماءً اجتذبتنا نفحاتِ قدسک من البقعة المبارکة نور
بصائرنا بانوار هدایتک السّاطعة من افق الحقیقة و أحینا بفیوضات
روح قدسک النّازلة من سماء الرّحمانیة و أیقظنا بنسمات حبّک
عند اشراق شمس الوحدانیة ای رَبّ و ققنا علی جوهر التّقدیس عن
کلّ صفة الا الفضائل التي خصّصت بها الحقایق المقدّسة من
الملکوت الأعلى و أنعش افئدتنا بفیوضات مُستمرة من ملکوتک
الأبھی ای رَبّ ایّدنا علی خدمة امرک و النداء باسمک و اعلاء
کلمتک و نشر آیاتک و ترویج تعالیمک و کلماتک و تریبیه سایر
الاماء حتّی تننور هذه الآفاق باشراف انوارک السّاطع علی مشارق
الارض و مغاربها انک انت الکریم الوهاب . ع ع

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء، فقره ۴۱۴)

هُوَاللّٰه

ای پروردگار این آوارگان را به سایه خویش در آوردی و سر و سامان دادی نیستی را هستی دادی و نابود را وجود بخشیدی تشنگان را آب گوارا دادی و گرسنگان را سفره مهنا گستردی و نعمت مهیا رایگان نمودی پس در هر موردی ملجأ و پناه باش و در هر مقصدی مُعین و مُستعان گرد توئی مقتدر و توانا توئی دهنده و شنونده و توانا و بینا . ع ع

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء، فقره ۱۵۲)

۲- ۲۷ دعا و مناجات پس از وصول به مقام هدایت

هُوَاللّٰه

ای پروردگار این عالم ظلمانی را جهان انوار فرما و مظاهر شیطانی را ابرار و اخیار کن ابر رحمت بلند فرما و باران موهبت ببار و نسیم جانپروور بوزان و انوار شمس حقیقت ساطع فرما تا این گیاه پژمرده طراوت و لطافت یابد و درختان بی برگ و شکوفه سبز و خرم گردد کوران بینا شوند و کران شنوا گردند نادانان دانا گردند و جاهلان واقف اسرار یزدان شوند توئی مقتدر و مقدر و مصور و مهربان اَنّک انت العزیز الکریم المَنَّان .

ع ع

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء، فقره ۲۴۰)

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار تأیید بخش و توفیق عنایت کن این ابر تیره را
زائل کن و این غمام هائل را متلاشی و باطل نسیم جانبخش
بوزان و دل‌های مرده را زنده کن باران رحمتی ببار و این گیاه
افسرده را تر و تازه نما حدائق قلوب را جنت ابھی کن و حقایق
نفوس را ریاض ملاً اعلیٰ ای قدیر رجای این عبد را بپذیر
توئی توانا توئی بیهمتا . ع ع

(مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبهاء، فقره ۲۴۱)